



تذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز چهارشنبه (۱۰) اسفند ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب:

۲- دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷

کل کشور.

۳- اعلام دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

جلسه ساعت سه بعد از ظهر بر ریاست آقای دکتر حسین خطیبی (نایب رئیس) تشکیل شد

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان:

بنی احمد - جهانشاه افشار - دکتر بهادری - بهبانی - بهرمند - بیات - پور پردیاری - توده - محمدجزایی - دانشمند - دهقان - رضوانی - سعیدی - سلیمانی سواد کوهی - سیدی - سیفی - شهبازی - سائب - صحرایی - صفری پور - طرفی - ابوالحسن عاملی - دکتر عاملی - دکتر عدل - محمدی دشتکی - دریشی - ماحوزی - دکتر نصیری - وشمگیر - یاسینی - نژدی .

بانوان : اما آقایان - اباصلتی - ابتهاج سمعی - اهدی - سلیمی - نائینی طب - صنع .

۲- دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷

کل کشور.

نایب رئیس - دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور را شروع می کنیم آقای رفعتی سرمایید.

رفعتی - با اجازه مقام ریاست. و همکاران ارجمند دنباله بحثی را که در جلسه قبل داشتم شروع می کنم

صحبتیم باین جا رسید که ما از ۱۰ سال قبل یعنی ابتدای انقلاب تا به حال چه کارهایی انجام داده ایم و این کارها بر چه مبنایی بوده است در عرض این ۱۰ سال ده های متعدد در مناطق مختلف مملکت احداث شده و شاعرانها و اتوبانها و دانشگاه های زیادی ساخته شده است الان با معاون محترم وزارت آموزش و پرورش صحبت می کردم، تعداد دانشگاه های ما را رقمی بیش از ۳۰ اعلام فرمودند و تازه این رقم غیر از مدارس عالی است که این مدارس عالی هم مثل این که تعدادش در حدود ۲۰ تا است از جمله کارهای مهم دیگری که شده تأسیس ماکروویو و تأسیس تلفن های خود کار و تأسیسات جدید پستی است و خلاصه تأسیسات عظیمی که در عرض این ۱۰ سال اخیر ساخته شده و چشمگیر است و بطوری که شنیدم گویا ۲۸۷ هزار نفر معلم داریم ۳۰ هزار نفر مجموعاً در دستگاه آموزش و پرورش کار می کنند که ۲۷۸ نفر معلم هستند و این واقعاً غرور انگیز است (صحیح است) اینکارهای عظیم که در مملکت شده همه برنامه ریزی داشته است و همه طبق برنامه هایی بوده که قبلاً به مجلس تقدیم شده و در کمیسیون برنامه یادر کمیسیون بودجه یا در کمیسیون های دیگر و در پارلمان ایران به تصویب رسیده است و دولت اجرا کرده بنابراین

دولت خود بخود کاری انجام نداده مگر مطابق برنامه ریزی پنهان با الهام از فرمانده تلمت ایزان و شاهنشاه ایران بوده است. بنابراین اگر گفته شود که برنامه‌ای نبوده این درست نیست حتی در امر کشاورزی یا صنعتی برنامه نبوده ایم حالا من میپردازم به بخش کشاورزی، کشاورز و دهقان در فرهنگ ملی ما مقام والائی دارند و همیشه ایرانیان برای این صنف احترام خاصی قائل بوده‌اند و شعری ما درباره دهقانان و این زحمت کشان اشعار زیادی گفته‌اند و تعریف‌های زیادی کرده‌اند که این‌ها خیرشان و راحتشان به جامعه می‌رسد از طرفی این کشاورزان تنها کار کشاورزی انجام نمی‌دهند این‌ها بنام عشایر و روستائین حافظ فرهنگ این مملکت هم هستند و حافظ حدود و ثغور این مملکت هستند و بوده‌اند این‌ها زمانی ارتش دوم این مملکت بوده‌اند و تازه ارتش اول این مملکت هم از این صنف است، کارگران کشاورز ارتش دوم این مملکت در مرزها هستند و در اثر مجاهدت این صنف کشاورزی ما پیشرفت کرده‌و این جای تردید نیست منتهی پیشرفت همگام با سایر پیشرفت‌ها نبوده، چرا همگام نبوده و چرا چشم‌گیر نبوده؟ یک علت آن این است که در پانزده سال قبل ۲۰ میلیون نفر جمعیت داشتیم در حال حاضر ۳۰ میلیون نفر جمعیت داریم ۱۰ سال قبل روستائیان ما از مواد غذایی که خودشان تولید میکردند استفاده نمی‌کردند و نمی‌خوردند ولی حالا نه تنها آن‌ها را تولید می‌کنند می‌خورند بلکه به کمک هم احتیاج دارند و این باعث خوشوقتی است ما مثلی داشتیم در سابق که از کسی می‌پرسیدیم تو کی آس و بلومی خوری؟ میگفت از این عید به آن عید ولی الان کشاورز در هفته سه روز بلو می‌خورد. و این‌ها از برکت انقلاب و از برکت فرماندهی شاهنشاه است و از برکت پیشرفت اقتصادی و ازدیاد درآمد سرانه و درآمد سرشاری است که با زحمت سرشار شاهنشاه و به اراده شاهنشاه از صنعت نفت بما رسیده است و از این درآمدها چه شهری و چه روستائی استفاده می‌کنند (صحیح است) و این که میگویند روستاها از روستائی خالی شده این طور نیست همین تهران را عرض کنم این تهران در گذشته دهکده‌ای بود نزدیک شهری و این دهکده امروز بصورت شهری درآمد به این وسعت که شما از تریک آن ناراحت هستید بنابراین، این طبیعی است که شهرها جمعیت را از روستاها جذب کرده و این جذب روستائین به شهر به ناچار بوده و در اثر ازدیاد نسل بالطبع یک عده‌ای زائد بر احتیاج روستا خواهند بود و بناچار به شهر می‌آیند و باید هم بیایند من خوب بخاطر دارم سلف‌خرها

وقتی زمستان بود راه می‌افتادند روغن‌های دامداران را سلف خری میکردند بهای ۳۰-۴۰ کیلو روغن را میدادند و تمام محصول هال آن چوبانی را که شب و روز در کوه زحمت می‌کشید یا آن زن عشایری را که شب و روز زحمت می‌کشید و مشک را می‌زد از او می‌گرفت و او را از خوردن کره محروم میکرد ولی الان خوشوقتیم که عرض کنم که در سال ۴۱ درآمد سرانه یک خانوار کشاورز ۶۰۰ تومان بود و این درآمد سرانه در سال ۲۰۳۰ یکصد و بیست هزار ریال شده (آفرین) بنابراین درآمد سرانه هر عضو خانوار کشاورز ۴۰۰۰ ریال میشود و این مسئله کوچکی نیست پس ما نباید بگوئیم کشاورزی ما از بین رفته، به هیچ وجه از بین نرفته یکی از دوستان می‌گفتند گویا آقای دکتر فروزین بودند فرمودند ۴۰ هزار هکتار باغ مرکبات در سطح مملکت داریم (چند نفر از نمایندگان - ۴۰۰ هزار هکتار) نمیدانم این را آقای دکتر فروزین می‌گفتند شاید من اشتباه بکنم و ایشان محاسبه کردند که قبل از انقلاب این رقم بوده و الان ۲۰٪ اضافه شده این مسئله نمایانگر این است که کارهای بنیادی در امر کشاورزی انجام گرفته است با این حال من نمی‌گویم که کار بدخواه است همان‌طور که قبلا عرض کردم پیشرفت داشته ولی همگام با سایر پیشرفتهای ما نبوده و یادآوری می‌کنم که ما نباید باین پیشرفت اکتفا کنیم و علت این را هم که چرا پیشرفت نکرده عرض میکنم و همیشه باید اینطور باشد یعنی علت عدم پیشرفت را بگوئیم و راه پیشرفت را هم ارائه بدهیم و کسی که میخواهد راه پیشرفت را ارائه بدهد باید محیط برای کار باشد اهل آن کار باشد تا بتواند راهنمایی کند اشتباه را جبران کند تا بتواند راه جبران کاهلی گذشته را نشان بدهد البته اینهم خیلی جای ایراد نیست که دولت در موردی اشتباه کند. البته برنامه‌ها، برنامه‌ریزی میشود و به تصویب میرسد ولی وقتی بدست هیئت اجرایی داده میشود ممکن است در محاسبه یا در عمل اشتباهاتی رخ بدهد (یکی از نمایندگان - اشتباه لازمه کار است) بلکه عرض می‌کردم آن دامدار که کره تولید می‌کند از کره خودش استفاده می‌کند و یک مقدار هم کسری دارد که باید بهش برسد و از دولت انتظار دارد که کسری او را تأمین کند و عرض کردم این لازمه پیشرفت است ما باید مصرف کنیم. چندبار شنیدیم راجع به موز صحبت میشود در حالیکه من معتقدم هیچ اشکالی ندارد که مزارع موز بخورند من بخاطر می‌آید اولین باری که موز را در ایران

دیدم در منزل مرحوم سیدضیاءالدین طباطبائی بود در سال ۳۴ با عده‌ای خدمتشان بودیم ایشان روی میزشان موز و میوه‌های دیگری بود ما همه میوه‌ها را می‌شناختیم جزموز آقای طباطبائی متوجه شد که ما بلد نیستیم این میوه را بخوریم خودش یکی را برداشت پوست گرفت و خورد و ما یاد گرفتیم باز این جا یاد داستانی افتادم که یک مرد عربی دوشاب و کتجد در حضورش بود و نمی‌دانست چطور بخورد، چطور دوشاب را توی دهانش بکند و چطور کتجد را بچه‌ای را صدا کرد که توهم بیا بخور دید که بچه دستش را توی دوشاب می‌کند بعد داخل کتجدهای می‌زند و میخورد او هم یاد گرفت و خورد بهرحال با ارسال که من رفته بودم به زرین‌آباد پشتکوه مطلب غیرمنتظره برایم این بود که مردم آن‌جا هم موز می‌خورند حالا نمیدانم از پاکستان وارد می‌کنند یا جای دیگر بهرحال منظورم این است که این‌ها آثاری از رفاه و موهبت و برکتی از انقلاب شاه و ملت است وقتی این مردم استطاعت دارند چرا نخورند؟ خوب است که کشاورز در هفته ۳ روز برنج بخورد و جمعیت ۲۰ میلیونی سال ۲۰۲۱ که تبدیل به جمعیت ۳۰ میلیونی سال ۲۰۳۱ شده مصرف هم برابر شده

در حالیکه یک وقتی خوراک و پوشاک برای مردم مسئله‌ای بود بطوری که خاطر می‌آید چهار نفر یک شلوار داشتند وقتی میخواهند میهمانی بروند یک نفر آن شلوار را می‌پوشید و سه نفر در خانه می‌ماندند ولی امروز روستائی نباید ده دست لباس داشته باشد، حقش است، شاهنشاه او حق او را گرفت و به او داد این ثروت ملی است که دیگران می‌خورند چرا حالا خودش نخورد؟ این همان ثروت ملی است که با آن کاخ‌های ده طبقه می‌ساختند حالا ما بیست طبقه آن را می‌سازیم صحبت من راجع به این بود که ما جمعیتمان زیاد شده ولی از روستا کم نشده وقتی در روستا جمعیت زیاد باشد جلب بازار کار میشود این‌هائی که در کارخانه‌ها کار می‌کنند کی هستند؟ عمان روستازادگانی هستند که به شهر می‌آیند و کارگر نارخانه میشوند حتی دکتر و مهندس میشوند پس جمعیتی که فرمودند به آن صورت هم از روستا خارج نشده است بعضی نقاط کارخانجات نزدیک‌تر بوده بیشتر جذب شده‌اند و بعضی نقاط که کارخانجات دورتر بوده کمتر جذب شده‌اند من الآن اقدامات دولت را می‌گویم که که نکنند البته بعد هم تقاضی را میگویم بخصوص این چند ماه اخیر اقدامات زیادی شده ولی همگام بر پیشرفت‌های دیگر نبوده مثلاً اقداماتی که در امر کشاورزی و در

شده اقدام مفیدی بوده است بیست هزار تن خریده‌اند در حالیکه قبلا میدان داران می‌رفتند کیلویی ۲-۳ قران می‌خریدند دولت کیلویی ۲ تومان خریده این یک کمکی بود به باغداران البته در حد مطلوب نبوده ولی بهرحال متشکریم این از اقدامات مفید دولت است (صحیح است) بطوری که آقای دانشی تعریف میکردند در استان خوزستان هم خرما روی دست کشاورز مانده بود وزارت کشاورزی حدود ۱۲ هزار تن از خوزستان و ۵۰۰ تن از بوشهر به قیمت مناسب خریده و جزئی از صادرات مملکت شده که جای تشکر دارد اقداماتی هم در جهت قیمت‌گذاری شده امیدوارم این اقدام اساسی باشد قانون تشکیل صندوق بیمه محصولات کشاورزی گویا ۲ سال قبل تصویب شده ولی به مرحله اجرا در نیامده ۳ ماه قبل صحبتی داشتم با جناب آقای وزیر کشاورزی متأسفانه الان این‌جا تشریف ندارند فرمودند این کار در دستور کار ماست و امیدواریم اجرا بشود جای شکرگزاری است اما کافی نیست و به حد کفایت نمی‌رسیم قیمت‌گذاری در محصولات کشاورزی جناب رامبد کلاف سردرگمی است معلوم نیست کدام سازمان دخیل است آیا وزارت بازرگانی است آیا اطلاق اصناف است آیا بررسی قیمت‌هاست؟ آخر کسی که در بررسی قیمت‌ها پشت میز نشسته چه میداند قیمت یک کیلو انگور چقدر تمام میشود. بلد نیست. چه میداند هزینه کاشت و برداشت سیب زمینی چقدر است که بایک سود عادلانه از کشاورز بخرد همینطور قیمت گندم استدعا می‌کنم دستور فرمائید اتاق کشاورزی تشکیل بشود ۵۰ درصد جمعیت این مملکت را کشاورزان تشکیل میدهند چرا باید اتاق کشاورزی تشکیل نشده باشد صرف گفتن کشاورز عزیز و کشاورز زحمت‌کش البته ما را دلخوش کرده اما کارگر اتحادیه دارد، صنف اتحادیه دارد، خوب اتاق کشاورزی هم باید تشکیل بشود (صحیح است) آن وقت است که درد کشاورزان را میداند مثلاً نمیدانم بر مبنای چه احتسابی قیمت گندم را گذاشته‌اند روی سیاست روز یا روی واقعیت من الان ریز هزینه کشت یک هکتار گندم دیم و یک هکتار گندم کاری را برای شما می‌خوانم.

قیمت گندم یک تن اگر همه‌اش به کشاورز برسد ۱۲۰۰ تومان است این مبلغ اجرت ۱۷ عمه و کارگر ساده کشاورزی است برای کاشت و محصول یک تن گندم که مزد ۱۷ روز کارگر است شرح زیر شرح دارد:

۱- شخم بهاره محصول یک تن گندم ۸ روز شخم و

بدریاشی بانیزه ۴ روز درو ۸ روز جمع برای خرمن دوروز
کوبیدن و باد دادن ۷ روز و برداشت و انبار کردن یک روز
حداقل حساب کردیم ۲۸ روز بشود و با اینکه قیمت بدر
و سایر هزینه‌ها را احتساب ننموده‌اند بقاء یک تن هزینه
کارگر میشود این کشت سنتی است من برای اثبات مطلبم هزینه
داشت یک هکتار گندم در زمین آبی و یک هکتار زراعت
در زمین راعرض میرسانم دستور فرمائید در تمام استانها
بررسی شود بقدری داریم تمام آنها عرض بنده را تأیید
میکند و شاید مبلغ هزینه را بیشتر حساب کنند هزینه
یک هکتار گندم در زمین آبی:

- ۱- شخم بهاره در دو نوبت ۱۷۵۰ ریال
 - ۲- شخم بانیزه بدر پاشی ۸۵۰ ریال
 - ۳- مانده زدن ۴۰۰ ریال
 - ۴- بدر ۱۴۰ کیلو ۱۸۲۰ ریال
 - ۵- بکود فسفات و اوره ۲۸۰۰ ریال
 - ۶- اجرت کود پاشی و بدر پاشی ۱۷۰۰ ریال
 - ۷- آبیاری در ۴ نوبت ۳۰۰۰ ریال
 - ۸- تهیه آب از رودخانه وسیله موتور پمپ ۳۵۰۰ ریال
 - ۹- لاروی نهر و تعمیر جوی آب ۵۰۰ ریال
 - ۱۰- هزینه درو ۳۰۰۰ ریال
 - ۱۱- مخارج متفرقه و ایاب و ذهاب ۵۰۰ ریال
- جمع کل ۱۹۸۲۰ ریال
- برداشت محصول در هکتار ۱۶۰۰ کیلو بطور متوسط
هزینه یک هکتار گندم در زمین دیم:
- ۱- شخم بهاره ۱۷۵۰ ریال
 - ۲- شخم بدر پاشی ۸۵۰ ریال
 - ۳- قیمت بدر ۱۸۲۰ ریال
 - ۴- اجرت بدر پاشی ۶۰۰ ریال
 - ۵- هزینه درو حداقل ۳۰۰۰ ریال
 - ۶- سایر هزینه‌ها ۱۰۰۰ ریال
- جمع ۹۰۲۰ ریال

برداشت بطور متوسط ۸۴۰ کیلو ملاحظه فرمائید
فروپاش زمین و سایر آفات و عوامل فساد محصول محسوب
نشده اگر گفته شود پس چطور زراعت میکنند عرض میکنم
غده‌ای و از جمله خود من عاشق کشاورزی هستم علاقه
داریم ولو ضرر بماند میکاریم اما به مقدار کم به نظر من
کمکی که دولت میتواند به کشت کاران گندم و سایر
محصولات کشاورزی بکند:

- ۱- در هر استان یک نوع تراکتور و کبابی به قیمت
مناسب در اختیار کشاورزان قرار داده و در مرکز همان
استان تعمیرگاه مجهز با اجرت مناسب برای تعمیر و لوازم

بدری کی موجود داشته باشد فکر میکنم و شاید اعتقاد دارم
قسمت عهده‌ای از هزینه کاشت و برداشت مناسب میشود
پس ببینید چقدر خوب میشود اگر بنحوی هزینه‌ها را
پائین بیاورید من آماری دیدم در وزارت کشاورزی و
عرض می‌کنم که سوسیدی که شما درباره گندم
میدهید این سوسید را شما به شهرها میدهید من راجع
به این موضوع صحبت کردم و کاملاً هم مقرر شد که
این سوسید باید باشد اما روستا از این سوسیدها استفاده
نمی‌کند نه گوشت ارزان و نه گندم ارزان به روستا میرود.

کارگر کشاورز فقط از سوسیدی که شما درباره شکر
می‌دهید استفاده می‌کند اما مگر یک کارگر چقدر شکر
می‌خورد این جا وظیفه داریم از دولت جناب آقای آموزگار
تشکر کنم سوسید راه ۲ درصد کم کرده است در حالیکه در
کشورهای دیگر سال به سال زیاد میشود و در مملکت
ما برای اولین بار کسر شدن آن باعث افتخار است و من
تشکر می‌کنم اگر بخاطر داشته باشید همین ۲ لئال پیش
در یکی از کشورها بلوای پیا شده بود چون سوسید
نمیدادند ولی این جای شکر گزاری است که بجای
اینکه زیاد بشود کم شده و ممنونیم اینکه عرض کردم
هزینه کاشت و برداشت را کم کنید همین مسئله تراکتور
و کبابی است و بیشتر روی کسانی حساب کنید که
مزارع کوچک کشاورزی دارند والا واحدهای بزرگ
سرمایه دارند و به آن‌ها میتوانید از لحاظ ازدیاد قیمت
کمک کنید اگر برای هر کیسه گندم پارسال ۳۰۰ ریال
دادیم البته جانی که محصول خوب بود ۲۰۰ ریال
دادیم حداقل ۲۰۰ ریال یعنی هر تنی گندم ۲۰۰ تومان
دادیم ، مطلب دیگر این که می‌گویند کشاورزی سنتی
از بین رفته در حالیکه ازین نرفته و نخواهد رفت اگر
حمایت بشود بیشتر هم سود میدهد خود من الان کشاورز
هستم و اگر از من پرسید که با این احتسابی که کردی
چطور می‌کاری ؟ همان طور که عرض کردم می‌گویم
آقای رامبد من علاقمندم و عاشق کشاورزی هستم ،

کشاورز عاشق کشاورزی است باغدار عاشق باغش
است آذربایجان را انگورش به خریدن می‌برد ولی
عاشق این کار است و آن پشتکوهی هم عاشق کار
کشاورزی است این یک عرفه مقدسی است و مورد
ستایش ایرانیان بوده است این در خون ما ایرانیان عجین
شده ما وقتی یک سبزه را می‌بینیم ، من خودم وقتی یک
سبزه را می‌بینم می‌گویم (اللهم صل علی محمد و آل محمد)
پس با این روحیه هیچگاه روستا خالی نمیشود این‌ها مرز
دارند این‌ها ارزش دوم این مملکت هستند ولی نتوانند و نباید

خالی بشوند این‌ها زراعت می‌کنند دامپروری می‌کنند
پرورش سرباز هم میدهند سرباز آماده می‌کنند و تحویل
مملکت میدهند اینها را حفظ کنید و بیشتر به داد آن‌ها
برسید همان طور که عرض کردم این‌ها عاشق کارشان
هستند انگور که در آذربایجان بهتر بدست می‌آید اگر
فسادی نباشد ، آفتی نباشد مگر چقدر محصول میدهد
هزینه را حساب کنید ارزش خمالی و باربری را حساب
کنید قیمت سبزه را حساب کنید فاصله تسولید
تا مصرف خیلی زیاد است و همین طور ارزش تولید تا مصرف
و این استفاده را چه کسی میرسد؟ (یک نفر از نمایندگان -
واسطه‌ها) پس جناب آقای رامبد فلسفه این شرکت‌های
عاونی توزیع شرکت‌های شهر و روستا چه بود؟ دست‌آن
واسطه‌ها را بوسیله همین شرکت‌ها می‌توانید کوتاه کنید
و بدین وسیله میتوانید فاصله قیمت از تولید تا مصرف را
کم کنید و چاره دیگری که عرض کردم همان است که
هزینه کاشت و برداشت را کم کنید . مثلاً تراکتور و
کبابی بخرید و در اختیار آن‌ها بگذارید با این ترتیب
نفاوت قیمت که روی آن این قدر تکیه می‌کنند کم میشود
هزینه کاشت و برداشت کم میشود و یک بهره در حدود
انصاف و معقول برای کشاورزان قائل بشوند و بهر صورت
باید دولت به کشاورز سوسید بدهد آن حساب‌هایی را هم
که بنده عرض کردم اگر قبول ندارید تحقیق کنید اگر
بیشتر از آن نباشد کمتر نیست . و مطالبی را هم که درباره
قیمت میوه می‌گویند به عقیده بنده بعضی از این میوه‌ها
بوکس است مثلاً نارنگی کیلویی ۷ تومان یا ۴ تومان
یا قیمت گران آن‌ها را کسانی می‌خورند که
الحمد لله پول دارند و این که بعضی‌ها می‌گویند این‌ها
را تحریم کنید من عقیده ندارم و همین طور عقیده ندارم که
این قبیل گرانی‌ها تورم بوجود می‌آورد اینطور نیست این
روی تورم مملکت نمی‌رود این روی قیمت ارزاق عمومی
اثر نمی‌گذارد تورم موقعی است که قیمت ارزاق عمومی
بالا برود مثل برنج ، گندم ، روغن ، قند و جای این‌ها است که
عمومیت دارد . مثلاً از جای داخلی حمایت کنید آنگاه
حمایت کنید که در مورد جای خود کفا باشیم و به این
خود کفائی نمی‌رسیم مگر در سایه حمایت از کارگر و
کشاورز جای کار این حساب‌هایی که خدمتان عرض
می‌کنم برای این نیست که بخوایم دولت را به گریه
بندازم تا دل‌سوزی کند نه ما با همین وضع هم ساخته‌ایم
و باز هم می‌سازیم چون همانطور که عرض کردم عاشقیم ،
چنانچه آقای رامبد شما هم عاشق شاهنشاه خود هستید
با عشق به شاهنشاه خود خدمت می‌کنید اگر بشما بگویند

پاسبان هستید چون عاشق شاهنشاه خود هستید باز هم
خدمت می‌کنید و اگر گفتند وزیر هستید یا کشاورز و باید
بروید کشاورزی کنید می‌کنید چون شما هم عاشقید
بخاطر هم می‌آید روزی به یک کس که در وزارت کشور
مدیر کل بود گفتند برو بخشدار بشورت و بخشدار شد
این را میشود گفت علاقمند به شاه خود و علاقمند به
خدمتگزاری به ملت و مملکت و ما کشاورزان هم عاشق
کشاورزی هستیم و به ما هم اگر کمک کنید کشاورزی
خواهیم کرد و اگر نکنید باز هم خواهیم آورد
من اگر پارسال چهارصد هکتار کاشتم اسال هشتصد هکتار
خواهم کاشت البته سیاست کشاورزی هم باید داشته
باشیم بیاز یک روزی کیلویی ۱۰ تومان شد که آقای
مربوطه بصورت جواهر به هوا می‌انداخت و یکروز این
بیاز را کیلویی سه ریال هم نمی‌خریدند باید سیاست
کشاورزی طوری باشد که در مناطقی که حاصل بیاز
خوب است بیاز بکاریم و در مناطقی که حاصل سیب زمینی
خوب است سیب زمینی بکاریم آن‌هم به مقدار مصرف
همین طور در مورد حبوبات اخیراً حبوبات ما به کشورهای
دیگر میرفت و مصرف داخلی هم زیاد شده بود و شاید
هم کمتر کاشته بودند بهر حال قیمت‌ها بالا رفت که
خوشبختانه وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی فوراً همکاری
کردند خیلی به‌جا بود این سیاست حبوبات را وارد کردند
و قیمت‌ها پائین آمد پس این سیاست کاشت در مناطق
مختلف باید تعیین شود نوع کاشت مقدار کاشت مسئله‌ای
که وقتی من در کمیسیون بودجه خدمت رئیس کمیسیون
بودجه بودم مطرح شد و اعتباری بود که به صندوق عمران
روستائیان داده شده بود مبلغی در حدود ۱۰۰ میلیون
تومان نسبت به سال قبل ۳۵ درصد افزایش داشت خیلی
مشکرم آقا خدمت یکی از دوستان نوشتم مثل اینکه
فراموش کردند اولاً شما تعهداتی دارید بابت خسارت‌های
سال ۳۹ و ۳۵ که کشاورزان آسیب دیده و خسارت دیده
را دریابید آیا شما ضابطه‌ای برای این کار دارید؟ اگر
ضابطه‌ای ندارید که پرداخت کنید خوب این مجوزش را
بگیرید من خواهش میکنم این را یادداشت کنید چون
شما در قبال آنها تعهد دارید به نظر من این مسئله خیلی
مهمی نیست نسبت به آن سوسیدهائی که شما میدهید
مثلاً سوسیدی که شما برای سیما میدهید در حدود یک
میلیارد و هشتصد و چهل میلیون و هشتصد هزار ریال
است ، آقای معاون وزارت بازرگانی درست گفت؟ (اهری -
همینطور است) ملاحظه فرمائید تأیید فرمودند برای برنج
چقدر سوسید میدهید؟ چهارصد و بیست و چهار میلیون

تومان و همین سوسید را برای روغن نباتی و کره میدهند با برای شیر اما راجع به حیوانات در حدود ۴۸ میلیون تومان سمانوسید میدهند برای گندم، دوازده میلیارد و پانصد و هفتاد میلیون رسال سوسید میدهند. خوب آنها را به کشاورزان بدهید هزینه کاشت و برداشت را کم کنید قیمت تراکتور را کم کنید تا کشاورز بتواند خود لفا باشد و بیشتر بکارد، سوسیدی که شما درباره کود شیمیائی میدهند در حدود ۸۰۰-۹۰۰ میلیون تومان است که البته لازم هم هست و همینطور سوسید هائی نه برای ذرت و جو میدهند، البته جناب آقای آموزگار دو میلیون تومان از این سوسیدها را کسر کرده است، رقم کلی آن ۷۸۷۴۴۵۵۰ تومان است باین مبلغ شما میتوانست مائین آلات کشاورزی بخرید به کشاورز بدهید یا بصورت تفاوت قیمت به خود کشاورز کمک کنید تا خود لفا باشد و احتیاجی به جاهای دیگر نداشته باشیم اما یک مسئله دیگر که میخواستم عرض کنم جناب معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی، بانک کشاورزی و عمران روستائی یا بانک توسعه کشاورزی در مملکت ما نباید انتفاعی باشد این بانکها باید بیزنس کمک باشند (صحیح است) اینها باید هزینه را با درآمد متعادل کنند این میلیاردها تومان که میگویند استفاده داشته و به سرمایه اش اضافه شده از درآمد کشاورز بوده این را باید شما تعدیل کنید این بانکها نباید سوددهی داشته باشند اینها انتفاعی نباید باشند اینجا مسئله امداد و کمک در میان است من نه به شما کمک می کنم توقع ندارم چیزی بکنم بدهید این مسئله کمک است، به کشاورز نه وام بدهیم. این را باید نظارت کنیم چه در واحدهای کوچک، چه در واحدهای بزرگ اینها نباید سهامشان را در بورس عرضه کنند و یا به کارهای بزرگ و به کارهای غیر کشاورزی بپردازند این پولها بایستی برای آن کشاورز که گوسفندی را تربیت میکند و چاهی رامیزند و زمینش را آباد میکند و کاشت بیشتری میکند صرف شود نه از درآمدش اسبابش را بدهد فلسفه این بانکها این است ولی الان بصورت انتفاعی درآمدند و درآمد آنها از دسترین کشاورزان تأمین میشود. موضوع دیگر آب است مملکت ما البته در آن قسمت هائی که ما هستیم خشک و کم باران است ولی بعضی از مواقع مثل امسال باران زیاد میاید و باید سیل بند بگذارند و نگذارند که آب هم هرز برود. راجع هم آسان است. ماشین آلات این شرکت ره گستر هم قوز بالای قوزی برای مملکت شده و من به آن عقیده ندارم این شرکت باید در وزارت راه

ادغام شود راه سازی سال وزارت راه است تا از همین ماشین آلات برای خودشان بتوانند استفاده کنند خواهش میکنم بفرمائید در هیئت دولت مطرح بشود اینها مسائلی است که باید روی آن حساب کرد من نامه ای داشتم از یکی از شهرتانا که نوشته بود شما که نماینده کشاورزان در مجلس شورای ملی هستید یک کمی هم به حال ما برسید در اخبار کشاورزی روزنامه دهقان روز چنین نوشته شده بود که تاحیه آب استبان اطلاع میدهد در سال جاری برای تأمین آب زراعی ۱۶۷ پروانه چاه نیمه عمیق صادر شده و بهره برداری از منابع آب زمینی ۱۶۷ پروانه حفر چاه نیمه عمیق صادر شده و در مرحله بهره برداری ۶۴۵ لیتر در ثانیه آبهای زیرزمینی این منطقه استخراج شده، توجه بفرمائید آقای معاون وزیر نیرو و تشریف دارند یادداشت کشیده ۶۴ لیتر در ثانیه این ۱۶۷ چاه آب دارد آیا این به صرف و صلاح کشاورزی است؟ برای هرچاه می صرفد؟ نمی صرفد؟ بازده که ندارد اجازه ندهید که بهره برداری شود وزارت نیرو باید اجازه بدهد که روی آنها پمپ بگذارند این مسائلی است که کمک به کشاورزی می کند و اگر ما درست نکنیم کشاورزی ما یک قدری لطمه خواهد خورد در هر صورت این هم یک درد دلی بود ماده (۱۰) را هم نوشتم که آیا میشود کشاورزی را با این ماده (ده) نجات داد؟ من نمیدانم ماده (ده) را شما قرائت کنید ببینید آن چیست اگر بایستی تعدیل شود این سد راهی را که شده بردارید یکی هم مسئله دامداری است که می خواستم به عرض شما برسانم که برای دامداری صرفه دارد به شرطی که مراتعی که ملی است در اختیار دامداران محلی باشد و ساکنین محل استفاده کنند و دامداران شهرنشین که از غیر محل برخاسته اند و این مراتع، یا به آنها واگذار شده یا با قلدری گرفته اند یا متوجه نیستند، اگر دولت داده واقعاً اشتباه کرده است به من ندهند، بدهند به آن خمینی به یک سلولتی بدهند به یک شمائی بدهند به یک خراسانی بدهند، بدهند به منی که قیرآب و اجدادی من اینجاست و این حق من است این صندوق مراتع آنچه در اختیار دارد در اختیار همه دامداران باید بگذارند و همه باید حساب کنند روی هراستانی، روی دامهای آن استان بهمه برسد نه بیک استان بیشتر و به یکی کمتر، مسئله محیط زیست در امر دامداری، شما ملاحظه کنید یک منطقه ای دشت آهولک یا یک منطقه ای مرتع هزاران گوسفند است که ده صباح دیگر با سیل می برد یا باد با خود می برد و این را نمیتواند استفاده کنند البته این آقای قبلی

مرد بسیار خوب و شایسته ای است تا آنجائی که بتواند این نابسامانیها را به سامان میرساند شنیده ام در یک منطقه خفاش پیدا شده این خفاش بال دارد با کمال خوشوقتی خفاش بال دار پیدا شده برای حفظ آنها آمده اند ... هکتار از زمین های ازراعتی و مناطق کشاورزی آن منطقه راقوق کرده اند. درحالی که بزمحکوم به اعدام است و بز را اعدام میکنند و باید نابود شود، باسقم اگر خبر نداشتید اگر هم نپرسیده اید، پرسیدم بز محکوم به اعدام شده است! بهر حال محیط زیست جلوی مراتع را می گیرد حالا که بز را محکوم می کنید لااقل یک مقداری میش که میتواند در مناطق کوهستانی زندگی کنند جایگزین آن کنید مسئله دیگر راجع به بهداری است الان مانعیدیم چکار کنیم، در استان ایلام نه سر و خورشید سرخ بیمارستان دارد و نه وزارت بهداری و پزشکی، من دست بدمان جناب آقای دکتر خطیبی شدم نشان فرمودند دوشنبه به ایلام خواهیم رفت ولی این دوشنبه ای که آقای دکتر خطیبی فرمودند هنوز نیامده میدانم این دوشنبه چه موقع است که آقای دکتر خطیبی سه سال است وعده میدهد و ما هم به مردم وعده می دهیم و آنها می آیند وصف می کشند ولی آن دوشنبه هنوز نیامده است ۶ هزار متر زمین هم با آب و برق به شیر و خورشید داده ایم و نمیدانیم بالاخره وزارت بهداری یا شیر و خورشید برای ما بیمارستان می سازند از جناب آقای دکتر خطیبی عاضا دارم توجه داشته باشند و به این مسئله برسند این بیمارستان اگر ساخته شود برای سه شهرستان است مطلب دیگر موضوع این دکترهای فیلیپینی و پاکستانی است بعضی از مردم گله دارند که اینها فارسی بلد نیستند ولی باید تشکر کنیم از آقای وزیر بهداری و بگویم به هر حال آنها خیلی خوب کار می کنند فقط یک عیب دارند، وقتی ۱۵ روزه مرخصی میزنند یک ماه طول می کشد و بعد یک گواهی هم می آورند که مثلاً خانمش مریض بوده این را واقعاً توجه کنید و این قبیل مسائل را در کارنامه آنها ثبت کنید که اگر بخوانند خدمت نکنند برادرانشان را فسخ کنید موضوع دیگر موضوع معلمین و دبیران در استان مرزی ایلام است به یکی معلم و دبیر که بخواند در یک چنین محلهائی خدمت کند مبلغ بیشتری باید داد چون منطقه صعب المعیشه است موضوع دیگر موضوع پرداخت عیدی به کارمندان است کارمندی که ۳۰ سال با صداقت خدمت کرده و جوانی اش را فدا کرده الان بازنشسته شده است و شب عید هیچ کس به او عیدی نمیدهد آن که کامب است شب عید درآمد

بیشتری دارد و آنکه کارمند است عیدی می گیرد از کارمند ساده تا مدیر کل و وزیر، ولی به این پیرمرد هائی که عمری خدمت کرده اند عیدی داده نمیشود جا دارد برای سلامتی ذات اقدس شاهانه به این پیر مردها برسند و به آنها عیدی بدهند این را عرض می کنم و به سخنانم خاتمه میدهم تا حق دیگران ضایع نشود (احسن) مسئله ای که می خواهم عرض کنم از انقلاب سال ۴۱ تا حال باین تنگنا هائی که داشتیم خیلی کارها کردیم گفتم سد سازی را دولت ها انجام دادند، وزراء انجام دادند و دستگاه اجرایی انجام داده است. اینها خدمتگزاران وقت مملکت هستند اینها در جهت رفاه و خدمت مردم مملکت کار کرده اند. این مسأله آذربایجان یک مسأله حسادت خارجی بوسیله عده ای گول خورده بوده، هیچ ارتباطی با دستگاه اجرایی نداشته و این مسأله ایست جدا از اینها. گفتار یک وکیل مجلس در پشت تریبون مجلس عقیده شخصی اوست. عقیده همه نمایندگان نیست بلکه گفته و عقیده شخص اوست. مستحکم، جاوید شاه پاینده ایران (احسن) - (احسن)

نایب رئیس - آقای ادیب مجلسی تشریف بیاورید.

ادیب مجلسی - بنده از همکار محترم جناب آقای رینگی که وقتشان را در اختیار من گذاشته اند نمی دانم با چه زبانی تشکر و سپاسگزاری خودم را عرض کنم. من قبل از آغاز مطلب تحت تأثیر سخنانیکه امروز دوستان در ساحت مقدس مجلس شورای ملی بسمع همکاران محترم رساندند قرار گرفتم چون در گذشته خیلی نزدیک ایران از گذشته خیلی دور یعنی دورانی که قبل از دوران انقلاب مقدس شاه و ملت بود خاطراتی را در بنده زنده کرد، بخصوص امروز که این جلسه بریاست جناب آقای دکتر خطیبی تشکیل است من خیلی خوب بیاد دارم، نمی دانم نماینده محترم لار تشریف دارند یا نه، زمانی بعد از زلزله لار که شهر جدیدی بوسیله شیر و خورشید سرخ ساخته شده بود من وعده ای از تکمیلین های شیر و خورشید وعده ای دیگر که برای احیای شهر و ایجاد تأسیسات و مؤسسات یک شهر جدید به لار می خواستم سفر کنیم، اینکه عرض می کنم مربوط به ۱۸ سال قبل یعنی دو سال قبل از انقلاب شاه و ملت بود. شب به شیراز رفتم و از شیراز قصد داشتیم بطرف لار حرکت کنیم خدا میداند که راه به چه صورت بود. حتی ماشب نمی توانستم تراحتی برویم. اینکه عرض می کنم نمیخواهم برگردیم و بگوئیم که نعل های قبلی بگویند چه خبر بود.

خود من آن زمان شاغل بودم وقتی که خواستم شب را مسافرت کنم ژاندارم به من گفت اگر می خواهی بروی بنویس که مسئول جان خودت ، خودت هستی . و من ترفتم کمی بعد از آن باز هم مأموریتی داشتم در دوران انقلاب . به همان صفحات سفر کردم خدا می داند آنچه دیدم باور کردنی نبود از هر لحاظ ، چه از لحاظ ترقیات و پیشرفت ها و چه از نظر امنیت . یک روز اخیراً در خدمت همکاران رفتم به یوشهر ، یکی از دوستانی که قبلاً سفر کرده بود گفت تا آدم از توران بایش را بیرون نگذارد و شهرهای دیگر را نبیند فکر می کند که کاری در مملکت نشده است و اساسی و قومی می آید بیرون می بیند نه واقعا چه نارهایی انجام شده است با این موقعیت جغرافیائی و با این امکاناتی که در گذشته داشته ایم با آنچه که قبل از انقلاب داشتیم اگر منصفانه نگاه خودمان را قاضی کنیم و مقایسه نمائیم ، متوجه می شویم که هیچ امکاناتی نداشتیم ، هیچ چیز در دسترس مردم نبود . همه مردم باجه وضعی زندگی می کردند ؛ آرزو فقط در فکر این بودند که گلبه خودشان را از آب درآورند و یک زندگی متوسط و یک روزی ، برای خودشان فراهم کنند ولی امروز می گوئیم که بقول یکی از دوستان درگوشی گفته میشود که مردم ناراضی اند . از چه چیز ناراضی اند ؟ البته وقتی مردم به همه چیز برسند و در مملکت امکاناتی داشته باشند ، سطح توقعشان هم بالا می رود و این آن چیزی است که رهبر مردم ایران می خواستند . که مردم مملکت بیدار شوند و بیدار شدند . روزی می گفتند که استعمارگران بعضی کشورها را با گرسنگی رها می کنند و بعضی ملل را فقط با آنها نان می دهند که مشغول خوردنش باشند . ولی ما حالا این پیشرفت ها و این امکانات را داریم و بیش ملت ما به جایی رسیده که می خواهد و باید هم بخواید که باز هم ترقی کند و البته به آنچه هم که باید برسد می رسد . باز در گذشته نه چندان دور که خوشبختانه همه ما می توانیم شاهد زنده ای برآنچه که عرض می کنم باشیم ، راه های ارتباطی ما ، دستگاه های مخابراتی و آموزشی ما ، دانشگاه های ما ، مراکز بهداشتی و درمانی ما درجه وضعی بودند ، باجه سرعتی ساخته شد و حالا در هر زمینه چه پیشرفت های چشم گیری داریم که چون درحال بهره گیری از آنها هستیم بدستی نمیتوانیم بعضی اوقات قدر آنها را بدانیم مگر آنکه با گذشته مقایسه کنیم . خیلی بی انصافی است اگر بخواهیم بایک کشور

پیشرفته ای که سالها قبل بایک پیشرفتهای عمیق علمی روبرو بوده اند خودمان را مثال بزنیم ، ولی من افتخار می کنم و هر ایرانی افتخار می کند ، اگر در مقایسه صحیح برآنیم در تمام دنیا ، بعقیده محققان دوست و دشمن ، می دانند که آهنگ پیشرفت در دوران انقلاب بنحوی بوده که در هیچ کجای دنیا سابقه نداشته است (صحیح است - احسن) تا کور شود هرآنکه نتواند دید (احسن) یکی از خصوصیات بارز انقلاب مقدس شاه و ملت در ایران راه یابی صحیح و جهت گیری صحیح از ابتدا تا این زمان بوده است . در دنیا انقلابات زیادی بوقوع پیوسته ، چه انقلابات خونین و چه انقلاباتی که ملل مختلف به جهات مختلف داشته اند ولی همه ما دیدیم زمانی که آهنگ شروع انقلاب آنها شروع شد تا وقتی بقول خودشان بشر رسید تغییر جهت های کلی داد اما انقلاب سفید ایران وقتی شروع شد تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر باعث شد که آن خط و مسیر صحیح را فراموش نکند و دیدیم که مدارش تغییر نکرد . در مسیر این انقلاب همه طبقات ایران به همه چیز رسیدند باز هم می گویم تا کور شود هرآنکه نتواند دید حالا ملت ایران زنج کشیده فرمانده نیرومندش سوی خودش را سپید کرده و می بینم که تا بحال راه درازی راییموده ایم و به سر منزل مقصود رسیده ایم سر بالایی ها را طی کرده ایم این ارابه را رسانده ایم به سر سر بالایی حالا دیگر انصاف نیست که همت نکنیم ما با تمام نیرو مقاومت می کنیم و نمی گذاریم که برگردد ، باوج رسیده است ، نمی گذاریم برگردد باید آن را در شاهراه تمدن بزرگ هدایت کنیم . من متأثر هستم و متأسفم که چرا در این برهه از زمان که کارهای زیربنائی انجام شده و پیشرفتهایمان بمرحله ی بهره برداری رسیده است وجوئهایمان که الان زیر هیجده سال هستند و دارند می رسند به آنجا که بازدهی شان شروع شود آنوقت انگشت بگذارند به نقاط حساس این ملت . این ملت هیچوقت اجازه نخواهد داد . ما مجلسیان در دوره رستاخیز بادرک نیت رهبر عالی قدرمان همگام با سایر ملت ایران به هیچ وجه اجازه رسوخ اجنبی را در صفوف منظم خود نمی دهیم (صحیح است - احسن) این را همه ما با تمام وجودمان می گوئیم ، از تمام قلب می گوئیم و اگر کسی غیر از این میخواهد جایش در بین ملت ایران نیست ، رهبر ما آزادی بملت داده و آزادی بیشتری هم خواهد داد . در پارلمان ، در مجامع حزبی ، و در تمام مجامعی که در مملکت تشکیل میشود مردم آزادانه حرفشان را می زنند ،

خواسته هاشان را می گویند و می خواهند و به آن هم میرسند و خواهند رسید . فرصت می خواهد ، وقت می خواهد به همت جوانان بیرومند این آب و خاک دوستان عزیز جوانان ما ، جوانان خیلی خوبی هستند ، خیلی زود حرف منطقی در آنها اثر می کنند ، اینها نور چشم ما هستند در همه آنها با آن همه تبلیغات مسموم کننده ، بیش از هر چیز غرق وطن پرستی و شاه دوستی دیده میشود آنها فرزندان این آب و خاک هستند ، باید به آنها برسیم ، باید آنها را بیشتر به مسائل آشنا کنیم ، ما وظیفه بسیار سنگینی داریم من نمی دانم در پارلمان دوره رستاخیز از بین شما دوستان چه کسی است که تحت تأثیر عواملی لایحه ای را تصویب کرده باشد . ما آمده ایم اینجا شور کرده ایم ، مطالعه کرده ایم و در نتیجه لایحه ای تصویب رسیده است ولی من شنیدم که گفتند مجلس شورای ملی به وظیفه خودش عمل نکرده است (یکی از نمایندگان - کسی چنین چیزی نگفته است) امیدوارم نگفته باشد (پزشکیبور - اگر من گفته ام موازدش را هم می گویم) من خیلی متأسفم ، من که به این مجلس آمده ام هیچکس هیچوقت چیزی را بمن دیکته نکرده است . اگر هم روی چیزی صحه گذاشته ایم ما ایمان کامل اینکار را کرده ایم و از مجلس رستاخیز هم جز این انتظار نیست . من امیدوارم کسی چنین چیزی نگفته باشد . من معتقدم ساختمان عظیم ساخته شده است ، هیچکس نمی تواند بگوید من این بنای عظیم اجتماعی ایران را نمی بینم . همه می بینند ، دوات می بیند ، دشمن هم می بیند ، زمان شروع ساختمان هم معلوم است ، سازنده و فرمانده اش هم معلوم است . من سؤال می کنم اگر در ساختمان این بنا کارگر ساده یا مباشرش اشتباهی کرده و دوتا آجر بس و پیش شده باشد آیا باید گفت این ساختمان اصلا وجود ندارد چرا این ساختمان وجود دارد و اگر در یک مورد کارگری دوتا آجر کج گذاشته حتماً تنبیه میشود اما کی؟ کیرو بیند که نیست باید ثابت شود اگر میخواستیم قضاوت عجولانه بکنیم هرگز باینجا نمی رسیدیم . مملکت ما مملکت دموکراتی مشروطه سلطنتی است شاهنشاه ما با اعتقاد راسخ بدین اسلام با آزادت کامل به ائمه اطهار با رعایت تمام اصول انسانی و مذهبی اجازه نمیدهد ، تاجر کسی است نشود ، کسی مجازات بشود ولی روزی که دستگاه پرسیون شاهنشاهی تشکیل شد افتخار میکنم که من اینجا عرض کردم که ورود بمرحله دوم انقلاب را به شاهنشاه عادل و ملت ایران تبریک میگویم و حالا هم عرض میکنم دیر نشده و بقول ما کاسیها دیر وارد دارد

ولی سوخت و سوز ندارد مطمئن باشید درست میشود کمی حوصله کنید . اعتقاد راسخ شاهنشاه ما پهبانی دینی و مذهبی در همه امور مشهود است امروز گفته شد ولی من ناگزیر بدگر یک مطلب هستم ، در جنگ صفین که دشمنان اسلام آمدند و خدعه کردند و کلام خدا را بر سر نیزه ها گذاشتند مولا امیرالمومنین گفت قرآن ناطق منم و اینها جز مقداری کاغذ و مرکب نیست . و البته یک عده ای پذیرفتند که حرفش درست است . او حرف حق میزد و بعدها معلوم شد که حرف حق هیچگاه و به هیچ نحو باطل نمیشود حق همیشه جاودان است . حالا هم دشمنان ایران با همین خدعه های ناجوانمردانه بجنگ ملت ما آمده اند ولی ملت ایران خائن را در هر لباس و با هر عنوانی میشناسد و او را به عزای اعمالش میسانند من اجازه می خواهم بایک مقدمه وارد بحث درباه بودجه بشوم . طبق آئین نامه در سنت پارلمانی رسم چنین بوده است که هنگام طرح بودجه ، نمایندگان از موافق و مخالف بطور نامحدود سخن میگویند (مظہری - رسم نبوده و آئین نامه مجلس اینطور است) و شاید ایام طرح بودجه ، همواره برهیجان ترین ایام عمر مجلس بوده است . اما باید با غرور و خرسندی بگوئیم که مجلس عصر رستاخیز با مجلس پیش از رستاخیز تفاوت اساسی دارد . در مجلسی که جزئی از پیکره «جامعه وحدت ملی» است موافقت یا مخالفت قراردادی که ناشی از دسته بندیهای فراکسیونی و موافقین و مخالفین دولت است ، نمیتواند مفهومی داشته باشد . در چنین مجلسی صحبت از این نیست که نماینده ای که به پشت تریبون می آید قبلاً موضع مخالف یا موافق خود را اعلام کند اگر بعنوان مخالف ثبت نام کرده ، بر همه نکات مثبت ، چشم خویش را فرو بندد و فقط به ذکر معایب و نواقص بپردازد و یا اگر بصورت موافق سخن میگوید نواقص آشکار و علنی را هم حسن دانسته و زبان به تملق و چاپلوسی بگشاید . در حقیقت ما که در مقام نمایندگی مستقیم مردم قوه قانونگذاری را با تفاق مجلس بنا تشکیل میدهم ، بعنوان جزئی از «جامعه وحدت ملی» وظیفه دار هستیم در این دوران سازندگی و تحول ، بودجه و یا در لایحه دیگری را بطور اصولی و بدون هیچگونه جهت گیری قبلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم نکات مثبت را یادآور شویم . انتقادهائی را هم که نظریات می رسد و راه حلها و پیشنهادها را تذکر دهیم تا از آن میان بهترین قوانین و لوائح تنظیم شود و اطمینان حاصل کنیم که

قوانین موضوعه به بهترین شکل به مورد اجرا گذاشته میشود.

با چنین نقطه نظری است که من مطالب خودم را درباره بودجه سال ۲۰۳۷ آغاز میکنم: گزارش جناب آقای نخست وزیر درباره وضع اقتصادی کشور بودجه سال آینده، همانطور که استنباط کردید، گزارش جامع و مستدل بود و نشان میدهد که علیرغم تنگنانهایی که در زمینه های زیربنایی و اقتصادی بروز نموده، ایران میتواند و مصمم است که راه ترقی و پیشرفت را تحت ارشاد شاهنشاهی آریامهر ادامه دهد، از سوی دیگر این گزارش حاکی از موفقیت دولت در مهار کردن تورم، در مدتی کوتاه بوده است، بطوریکه سیر صعودی قیمتها در امردادماه سال جاری ۳۱ درصد بالاتر از رقم مشابه سال قبل بود در دی ماه ۲۰ درصد بالاتر از رقم مشابه سال قبل قرار گرفت و اظهار امیدواری شده است که رقم شاخص قیمت های کالا و خدمات مصرفی در اسفندماه ۱۷ درصد بالاتر از رقم اسفند سال قبل قرار گیرد. به این صورت از سرعت افزایش قیمتها کاسته شده، ولی روند صعودی همچنان ادامه دارد. در اینجاست که دولت میباید اقدامات قاطع و اساسی را برای بازگرداندن تعادل اقتصادی و مهار کامل تورم دنبال کند. ما سالیانی را بیاد می آوریم که ضمن داشتن بالاترین درجه رشد اقتصادی، همراه با تعادل نسبی اقتصادی، کمترین درجه افزایش قیمتها را داشتیم که بین ۰/۹ تا ۰/۲ درصد، در نوسان بود. و در عین حال افزایش سریع قیمت ها را از سال ۲۰۳۳ از خاطر نبرده ایم پس باید در فکر یافتن راه حلهای مناسب و عملی برای ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا باشیم.

در این مورد نقش تعاونی ها را جناب آقای اهری، من خواستم بار دیگر بیان کنم جناب آقای وزیر بازرگانی تشریف ندارند یک نکته ای را عرض کنم انتخابات اتحادیه های صنفی قبل از انتخابات مجلس با همین فرمول صورت گرفته بصورتی که از بین افراد صالح اگر ده نفر احتیاج بود سی نفر را معرفی میکردند و افراد صنفی حق داشتند از بین این ۳۰ نفر ده یا ۱۵ نفر انتخاب کنند در واقع باید عرض کنم که این امر صد درصد با آزادی کامل صورت گرفته و اصناف شریف ما اگر هم افراد ناصالحی در بین خود مشاهده کرده اند با کمال شهامت آنرا از بین اجتماع خود طرد کرده اند در اینجا لازم میدانم بار دیگر یادآور شوم که جامعه شریف اصناف بودهای اصناف پایبند همیشه و در هر حال سربازان فداکار انقلاب شاه

و ملت بوده و در صفوف اول مبارزه علیه خائنان و وطن فروشان در لحظات حساس در گذشته امتحان وطن پرستی و شاه دوستی خود را داده اند و این جامعه کثیرالعضو و شهر نشین که در پایتخت بیش از ۱/۲ جمعیت را با خانواده های خود کارگران و کارمندان خویش تشکیل میدهند در حالیکه از نخستین ساعات بامداد تا پاسی از شب گذشته به هموطنان خود سرویس و خدمات میدهند با هوشیاری کامل و با توجه باینکه خود در بیشتر موارد مصرف کننده هستند با ارشاد اتاق اصناف در به ثمر رسیدن اصل ۱۴ انقلاب کوشا بوده و سابقه نشان میدهد که هرگاه مسئولیتی بانان سپرده شده همان کاسب حبیب الله و مورد اعتماد جامعه بوده اند و با امانت و درستکاری بوظیفه مقدس خویش عمل کرده اند اما در مورد تعاونیها میدانید که نهضت تعاونیهای تهیه و توزیع در مملکت ما بدیربانی شرکت های سهامی معمولی نیست در ابتدا ضوابطی داشت محدود و وابسته به نخست وزیر بود بعد آمد زیر نظر وزارت تعاون و حالا بنا به طبیعت شغلیشان تقسیم شده اند بعضی در اختیار وزارت کشاورزی آمده و بعضی در اختیار وزارت کار و امور اجتماعی و آنها هم که طبیعت بازرگانی دارند در اختیار وزارت بازرگانی قرار گرفتند آنچه در اینجا همکاران راجع به مسأله تولید کالا با عرضه و آن حلقه های که در این وسط وجود دارد بیان کردند با ایمان کامل عرض میکنم که آن حلقه صحیح همین شرکتهای تعاونی تهیه و توزیع است باید بآنها کمک بشود بایدها آنها ارشاد بشوند و آنها هستند که چاره ساز هستند برای حل مسائل موجود از توزیع تا عرضه باید از این حلقه های صحیح استفاده کرد در مورد کیفیت بودجه و نحوه خرج آن عرض من این است که این بودجه در عین اینکه ۱۷ درصد با سال قبل تفاوت دارد و این یک تفاوت بسیار منطقی است البته با عرضی که قبلا کردم کسری بودجه هم بسیار صحیح و منطقی میباشد چون از نظر محاسبات بودجه ای در طول یک دوران چند ساله میتوان تعادل دوره ای بودجه را حفظ اما جناب آقای زامد اصل مطلب و مسأله مهم در خرج کردن بودجه است یک بودجه این چنینی ممکن است در اجرا بیک بودجه تورمی تبدیل شود و یا ممکن است بیک بودجه موفق و صحیح تبدیل شود من در اینجا روی سخنم با کارمندان جزء است و آنهایی که در طبقه پائین تر در دولت قرار دارند ما اغلب تبلیغ میکنیم و میگوئیم صرفه جوئی کنیم در مصرف برق ولی وقتی دستگاہ های دولت مراجعه میکنند می بینیم که چراغها را روشن

کرده اند کولرهای اضافی را روشن کرده اند اگر کارمندان درست بطور اعم از پائین تا بالا مسأله صرفه جوئی را بعنوان یک وظیفه مقدس ملی برای خودشان فرض کنند نه بعنوان یک شعار، خواهیم دید که خرج این مبلغ هنگفت که رقم عمده اش بدست دولت صورت میگیرد در پایان چه نتیجه مطلوبی بدست ما میدهد این مسأله ایست که من بنام یک ایرانی و بنام یک برادر از پشت این تریبون بکلیه کارکنان دولت که همه مقتصدند و وظیفه شناس توصیه میکنم و استدعا میکنم کاری بکنند که ثروتهای ملی ما بهتر نرود، مجلس زحمت کشیده، دولت آمده بعد از مدتها بودجه متعادلی را آورده در این چند ماه سیاست بخرج داده تا یک تعادلی در این وسط بوجود آمده انتظار داریم که این زحمتهای یک نحو صحیحی بیابان برسد متناسفانه یک سرش بدست ماست و بدست شماست و ۶۰ سرش بدست آنهاست است که باید عملا خرج بکنند اینجا است که ما از آن روح همبستگی ملی و آن پیوستگی که ملت ایران همیشه دارد استعداد میطلبیم و از آنها میخواهیم کاری کنند که در این برهه از زمان همه ما و خودشان را رو سفید بکنند مسائلی هست که اجرائش خیلی مشکل نیست ولی نحوه ورود بان یک کمی فکر میخواهد مدتی بود که رادیو ۲ اعلام کرده بود و این مسأله هم همیشه در فکر من دور میزد که بیانیم یک روز از یکجائی شروع کنیم چون هیچکس دلش نمیخواهد در شهر تهران این نابسامانی ترافیک وجود داشته باشد همه دلشان میخواهد یک وضعی پیش بیاید که این مسأله سروسامان پیدا کند این دوستان عزیزمان در رادیو ۲ این تحول را ایجاد کردند در ضمیر من این مسأله تازه ای نبود و یک چنین چیزی را دلم میخواست که شروع کنیم دیدید که امروز مردم خنک کاری کردند در دستگاہ های دولتی مسأله صرفه جوئی همین وضع را دارد مثلا اطاق درست کردن، سکرتر آوردن و بل و غیره این موضوع در یک چشم و هم چشمی افتاده نه مثلاً آن یکی دارد چرا من نداشته باشم که اگر باین موضوع توجه بشود فوق العاده مؤثر خواهد بود.

منه نمیدانم معاون محترم وزارت نیرو اینجا تشریف دارند یا نه، خوب تشریف ندارند، جناب آقای زامد هستند در مورد نیروی برق و نحوه مصرف آن من بخاطر اهمیتی که این مسأله میدهم و اطلاعاتی که در این زمینه دارم دولت تبریک میگویم از اینکه با افزایش ۶۰ درصد به بودجه وزارت نیرو خواسته اند مقداری از نابسامانیها را که در روستاهای ما و شهرهای ما پیش میآید جبران کنند باز

از ذکر این نکته نمی توان غافل شد که جناب مهندس توکلی با اطلاعاتی که دارند و من شخصاً با ایشان صحبت کردم آدم بسیار متخصص و در این مدت توانسته است نارسائیها و نابسامانیها را تا حد زیادی از بین ببرد گرفتاری زیادی بود و ما تابستانی در پیش داریم یک بولی هم جناب را مید الان دارد خرج میشود برای بهبود امر نیرو در مملکت که شاگرد جیاتی جامعه ما است. افزایش بودجه وزارت نیرو، استدعا دارم این توصیه مرا بپذیرید، در کار انتقال نیرو چند نکته است که حتماً رعایت فرمائید مسأله توزیع و انتقال نیرو یک کار سهل و مستعد است، آوردن نیروگاه و دادن نیرو از محل تولید به بیرون کافی نیست، شبکه ها باید فنی باشد که بحدائق در مملکت ما شبکه های فشار قوی اینطور هست، ولی محل توزیع و محل مصرف مورد بحث است در همین شهر تهران شماد مرکز شهر گرفتاری عجیبی دارید، کابل ها فرسوده است و مقره ها قدیمی است و فیوزها مال چند سال پیش است شما هر چه نیرو بدهید میآید به مرکز شهر اگر بار زیاد باشد افت بیشتری دارد و کابلها می سوزد و یک قسمت خاموش می شود و درجائی طول خطتان با اصول فنی تان متناسب نیست نیرو میدیدید، افت دارد، حالا که اینکار را دارید زیربنایی می کنید همزمان با آن نیروگاههایی که در گذشته با کمال افتخار و مباحات دیدیم و در گوشه و کنار مملکت دارد درست می شود کاری کنید که بتدریج مسأله اصلی یعنی آنجائی که بدست مصرف کنند می رسد آنرا درست کنید باید عرض کنم که نوع مصرف مردم فرق کرده و با کمال افتخار اعلام می کنم که ظرف مدت کوتاهی حدود ۴۴ هزار دستگاہ بخچال و حدود صدها دستگاہ رادیو و تلویزیون و حدود صدها دستگاہ سایر لوازم و ادوات برقی به روستاهای ما رفته است اینها را باید حسن کنیم، خیلی خوشحالم که از این راه فاصله راه بین روستا و شهر را کم میکنیم و من نمی خواهم مجدداً وقت شما را بگیرم آنچه لازم می بینم عمل شود باختصار تکرار میکنم مسأله ای که مربوط بمصرف کننده نیروی برق است خدمتگاران عرض می کنم، شما نیروی فشار قویتان درست و صحیح است و ترانسفورماتورتان درست است ولی در محل هایی که برای مصرف هست اشکال دارید در شعیان خاموشی بیک بادی بسته است و در جنوب اغلب اینها خراب و فرسوده است و هنوز این کابلها درست نشده و تمام زحمات شما از بین میرود و نه تنها در تهران بلکه در هر روستائی که

در این برهه از زمان هر روز یک دستگاه جدید برقی وجود خواهد داشت و همینطور که عرض کردم این دستگاهانی که بشهرستانها و روستاهای ایران رفته است و خواهد رفت و هر روز میروند مردم توقع دارند و باید بانجاها رسید تا اینکه زحمتشان بهدر نرود اگر ترانسفور موتور و دستگاه مولد برق و یا شبکه‌ها را نه گذاشته‌اید بگوئید این وسایل را داریم و این تیلووات را، ما نمی‌توانیم آنرا بدو کنیم، بیسرگرفته‌ای ما هم در این بوده است که مراحل بعد از تولید نیرو رسیده‌ایم من متأسفم اگر در رادیو بعنوان تبلیغ از طرف مباحث ثانوی اعلام می‌شود که فلان منطقه کمی پائین‌ات برق در ایران مناسب است این زشت است ما که متخصص خوب داریم و نیروگاهها هم که درست است پس آن چیزی را که موجب نوسان می‌شود می‌توانیم ازین برداریم نمی‌شود گفت که وقتی شد برق را می‌زنیم افت می‌کند، این مسائل را باید حل کرد، در اینجا نکته‌ای که لازم است یادآوری کنم موضوع تربیت نیروی فنی در مملکت است بنسبت همین مسأله که عنوان کردم ما نیاز به متخصص فنی در مملکت داریم جناب وزیر آموزش و پرورش تشریف بردند من می‌خواهم عرض کنم که بچوانان ما اجازه بدهید تحقیق کنند و در اختیارشان وسایل بگذارید، استعدادهای بسیار قابل توجهی درین جوانها هست و این پول هرگز از بین نخواهد رفت مانتولوژی را آورده‌ایم به مملکت و برای نگهداری اینها آدم می‌خواهیم، از متخصص فنی معمولی تا سطح خیلی بالا ما امیدواریم که تحت رهبری پادشاه این بچه‌ها خودشان مخترع و سازنده بشوند و ابداع بکنند، بنابراین وسایل تحقیق می‌خواهند فکر نکنید که اگر این وسایل را در اختیارشان بگذارید ازین نیروی نه‌آزین نیروی نمی‌رود این دستگاههایی که آورده‌اید تا یک زمان ناز می‌شد فردا احتیاج به متخصص فنی دارد شاید هم نیاز به چیزهایی داشته باشد که از عهده ساختن آن خودمان برآیم الان چیزی کم نداریم ازین جهت ما فقط می‌خواهیم یک نیروی خلاصه داشته باشیم که می‌توانند از جوانها استفاده کنند، از طرفی کادر فنی مکنی مطرح است، اینهمه دستگاههایی که در داخل مملکت ساخته میشود و همچنین دستگاههایی که از خارج می‌آید که نیاز به سرویس بعد از فروش دارد، بسیار مهم است. در کنار مسئله آموزش، موضوع آموزش فنی را بنسبتا تشخیص روزه جوانها و استعدادهایشان که به چه چیز علاقمندند دنبال کنیم، به این راه جوانها را پرورش بدهیم یکی از دوستان اینجا

عنوان کرد وجه خوب هم عنوان کرد و آن اینکه گفت همه لازم نیست دکتر شوند و یا پشت میز بنشینند، الان کشورهایی هستند که بیشتر افتخاراتشان به تکنیسین‌های خودشان است، آنها هستند که چرخهای اقتصاد مملکتشان را می‌گردانند، امروز با کمال افتخار می‌بینم که کارگران شرافتمند و زحمتکش ما همه درباره تکنیک زحمت می‌کشند و مسافرتهای مطالعاتی بیخارج می‌کنند، اینها را باید خیلی جدی گرفت بخصوص در مورد جوانان که سازندگان ایران فردا هستند و دارند تحصیل می‌کنند باید گرایش پیدا کنند به این چیزها، ما نیاز مبرم به این فنون داریم ما فردا نمی‌توانیم بان روستائی که همه چیز به او دادیم، اتومبیلش کلسه دم خانه‌اش ایستاده و برق سراسری هم بالای سرش هست و وسایل مدرن در خانه‌اش کار نمی‌کند اگر وسیله‌اش خراب شد بگوئیم بیاید در مرکز استان آنرا درست کند در همه جا ما نیاز به این افراد داریم و باید از این جهت به خود کفائی برسیم من در پایان عرضم اشاره می‌کنم به یک جمله که جناب نخست‌وزیر در روزیکه لایحه بودجه را به مجلس دادند فرمودند و آن این بود که همه منابع قابل تمام شدن است به جز نیروی لایزال انسانی که قابل اتکا است و همچنین ایمان به معنویات، بلکه اگر ملت ایران تا به این نقطه از ترقی در عصر رستاخیز و تحت فرماندهی شاهنشاه محبوب و رهبر ملت ایران رسیده است بخاطر همین اعتقاد و ایمان بوده است که رهبر بیدار دل ما روی ایمن نیروهای لایزال همیشه تکیه فرموده‌اند و من ایمان کامل دارم که هرگاه دولت و سایر خدمتگزاران با صداقت به رهبر عالیقدر مملکت خدمت کنند و قصد خدمت به مردم این مرز و بوم را داشتند باشد و مردم موقع شناس ما با درک کامل واقعیات و وظیفه ملی خود را بعد کمال انجام دهد خیلی زود به تمدن بزرگ خواهیم رسید و من آرزوی کنم که خداوند متعال این نیروی لایزال را همیشه و همه وقت مؤید بدارد که در راه پیشرفت نیت رهبر عالیقدر شاهنشاه آریامهر موفق و پیروز باشد و این آرزوی واقعی با در اجرای بودجه و سایر امور در سال آینده است و برای جناب آموزگار و اعطاء دولت و برای کسانی که صدقانه و خالصانه در راه خدمت به مملکت و اجرای فرامین شاهنشاه در هر پست و مقام مثل یک سرباز خدمت ملی کنند و خدمتشان به حال مردم نافع است آرزوی توفیق کامل از صمیم قلب دارم. (احسنت)

نایب رئیس: آقای پروفیسور یغمائی تشریف بیاورید. پروفیسور یغمائی: جناب آقای رئیس، همکاران محترم از اینکه این توفیق برایم حاصل شده به هنگام بحث پیرامون نخستین بودجه دولت جناب آقای دکتر جمشید آموزگار مطالبی در ساحت مقدس مجلس شورای ملی عرض برسانم خوشوقتم. همانطور که هنگام بحث پیرامون برنامه دولت ایشان اظهار کردم دولتی که اساس کار و برنامه ملی خود را بر پایه صداقت و صراحت بنیان‌گذاری کرده نمیتواند دولت ناموفق باشد هم اکنون که بیش از ۶ ماه از عمر این دولت نگذشته برای العین می‌بینم که بسیار هم موفق بوده و این موفقیت بخصوص در دو مورد واقعاً چشم‌گیر بوده است یکی مهار تورم بی‌سابقه‌ای که در مملکت پیدا شده بود و از رقم ۳۱٪ به ۱۷٪ رسیده و ۱۴٪ کاهش داشته است. دیگری مهار قیمت زمین که با تقدیم و تصویب لایحه مربوط به جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین در اجرای اصل هجدهم انقلاب با کسب الهام از رهنمودهای شاهانه گامی بزرگ برای مبارزه با زمین‌بازی و خالک‌بازی برداشته شده و امید آن است که این مبارزه بی‌امان کماکان تا حصول نتیجه نهائی ادامه یابد و همانطور که نظر شاهنشاه است رشد منظم و هم‌آهنگ اقتصادی ادامه پیدا کند به عبارت دیگر بودجه‌ای که به مجلس تقدیم شده که باید گفت بودجه عظیمی است دارای خصوصیات و خصصت‌هاییست که ادامه رشد هماهنگ و منظم اقتصاد مملکت را تضمین میکند موضوع دیگری که در این بودجه جالب توجه و تحسین برانگیز است سیاست صرفه‌جویی است که در درجه اول در دستگاههای دولتی و بخصوص سازمان نخست‌وزیری اعمال شده و تأکید شده تمام صرفه‌جویی‌های دولت صرف‌طرح‌های عمرانی خواهد شد و مسلماً همانطور که گفته شده دست یافتن به این هدف با فرصتی بیشتر امکان پذیر خواهد بود. یک نظر اجمالی به بودجه‌ای که برای سال آینده تنظیم شده نمایانگر این واقعیت است که دولت هدف‌ها و برنامه‌هایی را که هنگام معرفی هیئت دولت به مجلس عنوان کرد بی‌گیری نموده و مصمم است که به پیاده کردن آن برنامه‌ها اقدام کند و همین موضوع که خود مبین صراحت و صداقت است احترام و اعتقاد من را نسبت به شخص جناب دکتر آموزگار افزون میکند. اطمینان دارم دوستان و همکاران امضاء محترم کمسیون بودجه طی جلسات متعدد تا آنجا که امکان داشته و فرصت داشته‌اند به بررسی کلیه ارقام درآمد و هزینه با تعمق در ارقام ستونهای متعدد فزونی‌ها و

کاهش‌ها و غیره رسیدگی دقیق و مسلماً کافی انجام داده‌اند و بسهم خودم از همه آنها تشکر میکنم از این جهت خود را بی‌نیاز از وارد شدن در مجزیات می‌بینم بیشتر صحبت من درباره سیاست‌ها درباره خط مشی‌ها و درباره دیدگاههای مختلفی است که اجازه میخواهم برخی مسائل را بعنوان تذکر و توصیه به دولت در ساحت مقدس مجلس شورای ملی اظهار نمایم. در آغاز مثل همیشه از بخش آموزش و پرورش شروع میکنم البته قبلاً هم از فرصت‌های گوناگون مطالبی در این مورد عرضه داشته‌ام ولی نظر به اهمیت فوق‌العاده موضوع عقیده دارم که تکرار و تأکید بر آن در همه حال جایز است بخصوص اگر در نظر داشته باشیم که ما مملکتی هستیم که با جوانی جمعیت روبرو هستیم و نیمی از جمعیت ما را زیر ۱۶ سال تشکیل میدهد و هر مملکتی که با این پدیده مواجه باشد ناگزیر است که سرمایه‌گذاری‌اش در امر آموزش و پرورش بیشتر باشد در این زمینه شاهنشاه آریامهر در سومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی چنین فرموده‌اند: پس از کوشش‌های معطوف به حفظ و نظم و پاسداری حدود و ثغور کشور آموزش و پرورش نسبت به هر فعالیت دیگر تقدم دارد. من درباره این تقدم با الهام از رهنمودهای شاهنشاه بارها صحبت کرده و لزوم آنرا تأکید نموده‌ام و خوشحالم که می‌بینم در بودجه تقدیمی دولت باز هم اولویت به آموزش و پرورش داده شده است و معتقد طی سال‌های آینده نیز باید این اولویت کماکان مد نظر باشد. شکی نیست که دولت با اختصاص ۳۰۴ میلیاردر اعتبار برای آموزش و پرورش در سطوح مختلف که ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته ۷/۳ درصد بودجه کل کشور و ۱۰/۴ درصد بودجه عمومی دولت را تشکیل میدهد توجه اساسی به این موضوع بعمل آورده است ولی چنانچه در نظر بگیریم این بودجه برای وزارتخانه‌ای که حدود ۳۵۰۰۰ کارمند که حدود ۳۰۰ هزار آن معلم و ۲۸۰ منطقه آموزشی حدود ۹ میلیون دانش آموز مشغول تحصیل دارد و بخصوص که توجه داشته باشیم آینده مملکت در گرو تربیت انسانها نیست که در این دستگاه عظیم بارور خواهند شد باید ببینیم که بودجه کلانی نیست و اگر امکانات اجازه میدهد می‌باید مبالغی انبوه‌تر و مبراتب بیشتر در این راه بکار می‌افتاد زیرا که آموزش و پرورش نه فقط نقطه نظر اجتماعی مهمترین رکن دوام و بقای هر جامعه و حفظ خصوصیات قومی و ملی آن شمرده میشود بلکه از نظر

اقتصادی نیز اساسی ترین عامل زیربنایی است. رشد کمی تعداد دانش آموزان در سال های پس از انقلاب و رسیدن به مرز ۹ میلیون نمایانگر این واقعیت است که مسؤلان امر در اجرای اصول پانزدهم و شانزدهم انقلاب شاه و ملت توفیق کامل داشته اند و من وظیفه خود میدانم از طرف ملت ایران از همه دست اندر کاران چه آنها که بر سر کارند چه آنها که بر سر کار نیستند تشکر و سپاسگزاری نمایم ولی از نظر رشد کیفی و بخصوص تعداد معلمان تربیت شده برای سطوح مختلف تحصیلی (کودکستان، دبستان راهنمایی بخصوص متوسطه) نشانگر آنست که برنامه ریزی تربیت معلم نه تنها به هیچ وجه با رشد کیفی دانش آموزان کشور هماهنگی نداشته بلکه مداومت منطقی نیز در آن وجود نداشته است. امروز بر اثر هوشیاری ناشی از رستاخیز ملی توجه به آموزش و پرورش از نظر کیفی اجتناب ناپذیر است و قبل از همه اینکار از عهده معلمان میسر میاید که برگزیدگان جامعه باشند و طبق روش علمی پرورش یافته باشند بی شک آنانکه بعزت راه نیافتن به مشاغل دیگر به کار معلمی پرداخته اند هرگز نمیتوانند شغل خفیه معلمی و رهبری جامعه را در عصر انقلاب عهده گیرند بنا بر این محیط آموزش و پرورش کشور باید طوری باشد که برگزیدگان را بخود جلب کند. بزرگترین سد راه چنین آرمانی مطلوب نبودن شرایط استخدامی خاص و رفاه معلم میباشد که با مقایسه با شرایط استخدامی سایر مؤسسات، قابل تأمل است و امید است وزارت آموزش و پرورش و بخصوص وزیر فعال و علاقمند آن همانطور که شروع کرده و اقداماتی از قبیل پیاده کردن طرح کارانه تأسیس بانک فرهنگیان، توجه به مسئله مسکن آنان، توجه به جاذبه شغل معلمی و غیره انجام داده گام های مثبت تر و مؤثرتری در این زمینه بردارد. من قبول دارم که ایجاد تغییرات کیفی مستلزم زمان است و وقت میخواهد، استمرار لازم دارد. همه اطلاع داریم بالا بردن کیفیت مراکز تربیت معلم مورد توجه خاص علیاحضرت شهبانو قرار گرفته تا جایی که خود ایشان نظارت عالی هیئت امضاء مربوط را اقبال فرموده اند. به همین جهت سرمایه گذاری هرچه بیشتر در مراکز تربیت معلم کشور را در بخش آموزش و پرورش توصیه میکنم بخصوص اگر پیش بینی کنیم طی برنامه ششم تعداد دانش آموزان و تعداد معلم مورد احتیاج آنان احتمالاً بشرح زیر افزایش خواهد یافت: تعداد دانش آموزان ابتدائی از ۷۷۷/۷۶۱ از ۴/۷۷۷/۷۶۱ نفر در سال تحصیلی ۳۶ - ۳۵ به ۳۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۴۱ - ۴۰ افزایش خواهد یافت و تعداد معلمان

مورد نیاز برای این عده ۱۰۰ هزار نفر خواهد شد که بطور متوسط وطنی شش سال هرسال ۱۶/۶۰۰ نفر از مراکز تربیت معلم ابتدائی باید فارغ التحصیل شوند. تعداد دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی از ۲۸۳/۶۶۱ نفر در سال ۳۵ - ۳۴ به ۴۱۲/۰۰۰ نفر در سال ۴۱ - ۴۰ افزایش خواهد یافت و تعداد دبیران دوره راهنمایی برای این عده جمعیتی بالغ بر ۹۰۰ نفر خواهد شد که بطور متوسط باید در طی ۶ سال آینده هرسال حدود ۱۱۰۰۰ نفر از دانشسراهای راهنمایی تحصیلی فارغ التحصیل شوند تعداد دانش آموزان دوره متوسطه از ۷۰۵/۹۰۰ نفر در سال ۳۵ - ۳۴ به رقم ۸۸۷/۰۰۰ نفر در سال ۴۱ - ۴۰ افزایش خواهد یافت و تعداد دبیران دوره متوسطه برای این عده جمعیتی بالغ بر ۴۰۱۳۲ نفر خواهد شد که بطور متوسط باید در طی ۶ سال سالانه ۷۰۰۰۰ دبیر متخصص از مؤسسات آموزش عالی (تربیت دبیر) فارغ التحصیل شوند. در برنامه اجرایی دولت برای سال ۳۵۳۷ شاید ارقامی بیش از آنچه اکثران گذشت دیده شود در روزنامه رستاخیز شماره ۸۴۸ مورخ سه شنبه دوم اسفندماه ۳۵۳۶ معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود تعداد مراکز تربیت معلم در سال تحصیلی آینده از ۲۱ واحد به ۲۵۰ واحد خواهد رسید و حدود ۲۳ هزار دانشجو در مراکز مذکور پذیرفته میشوند. من امیدوارم این چنین بشود و وزارت آموزش و پرورش به آنچه ارائه نموده عمل نماید.

متأسفانه مهم پرورش از این همه اعتبارات بسیار ناچیز بوده است بارها در این مورد صحبت کرده و تذکر داده ام که به امر پرورش نوجوانان و جوانان باید توجه خاصی مبذول گردد سهم بیشتری از بودجه مملکت برای این امر مهم در نظر گرفته شود بموازات تربیت معلمان آموزشی باید به ترتیب معلمان پرورشی همت گماشت قبول دارم که در بودجه شاید هیچ سازمانی به اندازه ورزش افزایش نداشته و به بودجه ورزش ۶ درصد افزوده شده است ولی باید توجه داشت که پرورش منحصر به ورزش نیست و تنها جسم و اندام را دربر نمیگیرد بلکه روح و روان را هم شامل میشود. پرورش شخصیت و فضائل اخلاقی - اجتماعی و روحیه ملی و میهنی. پرورش قوای ذهنی و هوش را هم با خود دارد پرورش یک ایرانی مورد نیاز عصر انقلاب باید هدف وزارت خانه باشد برای این منظور درس وطن پرستی

ایران شناسی و شاه دوستی باید سرلوحه امور پرورشی را تشکیل دهد که متأسفانه باید گفت در این مورد بخصوص تاکنون خیلی غفلت شده است من قبول دارم که خانواده در این میان نقش بسیار مؤثر و حساسی دارد ولی قبول کنیم که نمیتوان نقش سازنده و اصولی مدرسه را منکر شد باید ترتیبی اتخاذ شود تا ما شاهد گرایش بیش از حد جوانان به مسایلی از قبیل اعتیاد، قمار، شیوع وحشتناک بیماریهای آمیزشی، ابتلاء به بیماری شوم تبهکاران جادهها و از همه بدتر انحرافات گسبایی و تظاهرات ضد ملی و میهنی در سال های اول ورود بدانشگاه ها نباشیم تظاهراتی که همه ما میدانیم ریشه و منشأ خارجی دارد با امواج سهمگین خود جوانان خوب پرورش نیافته ما را آسیب پذیر میسازد و اینها با بطور آگاه یادرا کثیر موارد ناخود آگاه دست به اعمال کودکانه ای میزنند که هرایرانی وطن پرستی را سرسار و خجل میکند. شیشه کلاس درس دانشکده را شکستن، اتوبوس مدرسه را از کار انداختن، کتابخانه و چاپخانه را به آتش کشیدن از جمله کارهاییست که بزحمت میتوان قبول کرد از طرف دانشجویان واقعی صورت گرفته باشد. بنظر من پزشک، در این مورد هم پیش گیری مهم تر از درمان است. این پیش گیری چیزی نیست جز توجه به امر پرورش نوجوانان و جوانان قبل از ورود بدانشگاه مسأله مهم در این مورد مسئله گذراندن اوقات فراغت گروه سنی فوق میباشد که از اهمیت ویژه ای برخوردار است و صلاح است دولت به آن توجه خاص مبذول دارد برای این منظور کوشش هایی در سال های اخیر به عمل آمده و مراکز و سازمانهایی تأسیس یافته است از این نوع سازمانها میتوان از کاخ جوانان، خانه جوانان، خانه پیشاهنگی، اردوگاه تربیتی و پیشاهنگی، پارک و خانه فرهنگ روستائی، کتابخانه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، باشگاه و استادیوم ورزشی و غیره نام برد از خلال بررسی سازمانهای رفاهی موجود به این نکته پی میبریم که فعالیت و مسئولیت های مربوط به تأمین رفاه جوانان در اغلب زمینه ها مخصوصاً زمینه مورد نظر ما یعنی گذراندن صحیح و سازنده اوقات فراغت در سازمان واحدی متمرکز نیست و این تعدد رهبری سبب اتلاف انرژی ها و اختلاف در هدفها و وسائل وصول به آنها میگردد و نتیجه مطلوبی بدست نمیدهد از طرف دیگر قلت تعداد سازمانهای مربوط به گذراندن اوقات فراغت ما را به این حقیقت پرهنبون میشود که پاسخ جامعه ایران به نیازمندیهای جوانان در زمینه گذراندن اوقات فراغت به کلی نارساست و این

نارسائی که از لحاظ کمی مدنظر قرار دارد از نظر گاه کیفی نیز مشهود و مؤکد است به این دلیل مشاهده میشود که اغلب سازمانهای مذکور که غالباً به صورت چند وظیفه ای به عرضه خدماتی پرداخته اند از لحاظ تفهیم صحیح نسبت به هدف صلاحیت کادر اداره کننده تجهیزات و وسائل، چگونگی توزیع در شهر و روستا هم چنین از لحاظ مجاری ارتباط و اختیار در اخذ تصمیم و برنامه ریزی چنانکه باید ایفای نقش نمی نمایند من باب مثال طبق تحقیقات انجام شده مربوط به شهر مشهد محل حوزه انتخابیه ام این نتیجه بدست آمده که ۹۱/۳ درصد گروههای ۱۳ - ۷ سال ۸۸/۸ درصد گروههای ۱۴ - ۴ سال اغلب فعالیت های تفریحی خود را در خانه انجام میدهند. هم اکنون شهر بزرگ مشهد فاقد کاخ جوانان است و نیز از کلوب تفریحات سالم خبری نیست و برای حدود ۲۰ هزار دانش آموز فقط دو باشگاه وجود دارد به همین جهت توصیه و تأکید مینمایم که فعالیت رفاهی مربوط به جوانان به استثنای فعالیت رسمی آموزشی که در چهار چوب وزارت خانه آموزش و پرورش قرار دارد در سازمان واحدی متمرکز شود نظر به اهمیت موضوع یکبار در زمان دولت جناب هویدا و یکبار هم هنگام بحث پیرامون برنامه دولت جدید برای این منظور لزوم تشکیل وزارت جوانان را مطرح و پیشنهاد کردم در مورد تشکیل این وزارت خانه جدید چنانچه بقول جناب نخست وزیر ریخت و پاش تازه ای هم شروع شود با در نظر گرفتن اهمیت موضوع ایزادی ندارد و جای دوری نخواهد رفت البته باید سعی کرد ریخت و پاشی در کار نباشد بر فرض هم که در شروع ریخت و پاشی داشته باشد در حالیکه بدانیم نتیجه نهائی آن برای ساختن پایه های محکم و استوار ایران فرداست جای ایراد نیست اگر برای این قبیل امور مهم ریخت و پاش نکنیم که اگر بتوان اسمش را ریخت و پاش گذاشت برای چه کاری بکنیم؟ بهر صورت چنانچه انجام این امر به علی مقدور نباشد لافل به همین منظور در سطح مملکت شورای هماهنگی فعالی بوجود آید مجدانه به هماهنگ ساختن برنامه های رفاهی مربوط که در سازمانهای اداری مختلف طرح میشود بپردازد و به صورتی از این پراکنندگی و وظائف و مسئولیت های مربوط به گروه های مورد نظر که غالباً سبب لوٹ مسئولیت و مشخص نبودن مسؤل میگردد جلوگیری بعمل آورد. برای اداره سازمان های مربوط به جوانان تربیت کادر متخصص ضرورت دارد به همین جهت باید به تلاش هایی که تاکنون در این مورد خاص صورت گرفته ادامه داد و بر دامنه آنها افزود زیرا بدون سپردن

کار به افراد کارداران نتیجه مطلوب عاید نخواهد شد متأسفانه ما با نبودن همین افراد کارداران مواجه هستیم من باب مثال ما در حال حاضر فقط ۶۰۰ معلم ورزش داریم در حالی که به ۱۰ هزار معلم نیاز داریم و این رقم در آخر برنامه ششم به ۲۳ هزار خواهد رسید که مسئله کوچکی نیست. امید است که دانشکده ورزش که قرار است بزودی در شهرهای اهواز، تبریز، مشهد، کرمان و رشت تأسیس شود تا اندازه‌ای این کمبود را جبران نماید. چند سالی است که در آموزش و پرورش کشورمان در تمام سطوح با مسئله‌های بنام دانشجویان و دانش آموزان ایرانی مقیم خارج از کشور روبرو هستیم. آنچه مسئله است تعداد داوطلبان تحصیل در خارج از کشور بطور تصاعدی روبه افزایش است تا جائیکه گویا به رقم ۱۲۰ هزار رسیده باشد. از توجه و موقعیت آنها که برای تحصیل به خارج از کشور رفته‌ها میروند نمیتوان بسادگی و اجمال سخن گفت چرا که تعداد این افراد در حال حاضر تا بدانجا رسیده که بی توجیبی به آنان بی توجهی به سرمایه های عظیمی است که در قالب ارز و نیروی انسانی از این سرزمین خارج میشود. روی آوردن و اشتیاق بیس از حد جوانان و خانواده‌ها به تحصیل در خارج از کشور معلول عوامل بیشماری است که عدم امکان کافی برای آموزش ابتدائی و متوسطه و تحصیلات عالی چشم و هم چشمی و نسب درآمدهای تصاعدی بسیاری از خانواده‌ها در چند سال اخیر، توجه و ارزش گذاری بیش از حد جامعه به مدارک تحصیلی فارغ التحصیلان خارج از کشور و غیره از آن جمله است بررسی تحریک از این عوامل خود بجای است جدا و منفصل اما در این میان یک اصل مسلم است و آن اینکه جامعه متحول ایران شدیداً به افرادی نیاز دارد که به خارج از کشور بروند و در مراکز علمی جهان صنعتی و پیشرفته آموزش ببینند و با کوله باری از دانش‌ها و تخصص‌های نو و با ارزش به کشور بازگردند و در سازندگی جامعه بکوشند از سویی محدود کردن جلوگیری از ادامه تحصیل ایرانیان در خارج از کشور ضربه‌ای شدید به اقتصاد کشور میزند چرا که ناچار خواهیم بود نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز را با قیمتی بسیار گزاف از خارج وارد کنیم علاوه ایجاد صنایع سنگین و تأسیس نیروگاههای اتمی، استفاده از ماهواره‌های مخابراتی و غیره و غیره در صورتی مشر نخواهد بود که نیروی انسانی مورد لزوم برای اداره آنها را خودمان از نیروی اصیل ایرانی در اختیار داشته باشیم و از سویی دیگر اگر بپذیریم که محصلین ایرانی خارج از کشور با توجه به بودجه‌ای که

صرف تربیت و آموزش اولیه آنان شده و نیز بودجه‌ای که برای زندگی و تحصیل آنان بصورت ارز از کشور خارج میشود یکی از صنایع زیربنائی و اساسی کشور است توجه به نیازها و وضع و موقعیت آنان در خارج از کشور در واقع حمایت و تضمین این صنعت است و در این راه نیاز به سازمانی است که بتواند بطور کامل پاسخگوی نیازهای دانش آموزان خارج از کشور باشد چنین سازمانی باید امور زندگی، انتخاب رشته‌های تحصیلی، امکانات مالی، موقعیت تحصیلی و خیلی مسائل دیگر کلیه داوطلبان تحصیل در خارج از کشور را زیر نظر داشته باشد. به نظر میرسد مسؤل مستقیم و تنها دستگاهی که باید به این سؤال‌ها پاسخ گوید و به چاره اندیشی بپردازد سازمان امور دانشجویان کشور است اما این سازمان که وظیفه سنگین و دشوار در آموزش عالی ایران بعهده دارد تنها آمار و اطلاعاتی که از دانشجویان ایرانی خارج از کشور دارد مربوط به کسانی است که از طریق سازمان امور دانشجویان و با استفاده از گذرنامه تحصیلی به خارج رفته‌اند نباید از نظر دور داشت که بیش از نیمی از محصلین ایرانی خارج از کشور بطریق عادی و بدون گذرنامه تحصیلی به خارج از کشور رفته‌اند اینان نه مقصدشان معلوم است نه رشته‌هایی که احیاناً در آن تحصیل میکنند نه تعداد آنها که باز میگردند و نه هیچ اطلاعی دیگر که از آنان متأسفانه اکثر آنها باز نمیگردند طبق آمار رسمی تعداد دانش‌آموختگان بازگشته به کشور از سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی در مقایسه با تعداد دانشجویان اعزامی بطور متوسط در سال ۱۵ درصد کاهش داشته است طی ۹ سال گذشته ۲۵۷۳ نفر ایرانی از طریق سازمان امور دانشجویان برای تحصیل به خارج از کشور اعزام شده‌اند در همین مدت ۲۲۹۸۱ دانش‌آموخته ایرانی به کشور مراجعت کرده‌اند که این خود یک فاجعه است. عیب کار ما اینست که متأسفانه هنوز سیاست جمعیتی صحیحی پیاده نکرده‌ایم و بدرستی نمیدانیم نیاز جامعه ما به رده‌های مختلف نیروی انسانی کدامست؟ اگر سازمانی داشتیم که این چنین میکرد و برنامه‌ها را هماهنگ مینمود ما امروز گرفتاری با ۹ میلیون دانش‌آموزی که نمیدانم در آینده با آنها چه کنیم نداشتیم و این گرفتاری در پایان برنامه ششم که مسلماً تعداد این دانش‌آموزان چندین برابر خواهد شد دود چندان خواهد بود اگر نسل کنونی اندک مسؤلیتی نسبت به مسائل نسل آینده احساس کند لاجرم باید از حالا به این موضوع بیندیشد و در صدد

چاره جوئی برآید. بنظر این جانب صلاح است اولاً از پراکندگی آنها در کشورهای مختلف جهان جلوگیری بعمل آید نائیباً به آنها اجازه داده شود فقط در دانشگاه‌های معتبر و مورد قبول آنها در کشورهای هم‌تراز کشور خودمان و در رشته‌های مورد نیاز جامعه خودمان در خارج به تحصیلات خود ادامه دهند و از همه نقطه نظر تحت کنترل و سرپرستی دقیق باشند تا بتوانند بهترین بازده را برای مملکت ما به‌ارمان آوردند نه اینکه در کشورهای خارجی سرگردان بمانند و آنقدر بمانند که بفرموده شاهنشاه بصورت دانشجویان حرفه‌ای ۵-۶ ساله و متأسفانه اغلبشان هم مأمور کمونیسیم بین‌المللی درمی‌آیند اینک از وجود آنها بعنوان آلت فعل برای پیش‌برد مقاصدشوم ضد مبنی بر علیه خودمان بهره‌برداری شود دولت باید بوسیله سازمان مشخصی در این امر کنترل شدیدی داشته باشد چه در غیر اینصورت برای آینده مملکت ما مضرات بیشماری دربر خواهد داشت. شاید این سازمان از جمله سازمانهایی باشد که میتواند در بطن وزارت جوانان جای مهمی داشته باشد.

اکنون که کشور ما سرعت روبه صنعتی شدن می‌یورد اقدام به تأسیس مدارس حرفه‌ای و فنی از ضروریات بشمار می‌رود در نظر داشته باشیم که در برنامه عمرانی ششم حدود ۳ میلیون آدم وارد به حرف و کارهای فنی لازم داریم باید از حالا به فکر تهیه این رقم باشیم. من هم مثل سایر همکاران در این مورد بخصوص در فرصت‌های مناسب تذکراتی داده‌ام خوشبختانه می‌بینم که وزارت آموزش و پرورش برای سال آینده باین موضوع توجه خاص نموده و قسمت مهمی از اعتبارات خود را مصروف باین امر مهم نموده است و حتی در برنامه تلویزیونی ارتباط مستقیم وزیر محترم آموزش و پرورش با مردم دیدم که در اکثر موارد که جوانان در امر تحصیلی خود با اشکالی مواجه شده بودند جناب دکتر گنجی آنها را به ادامه تحصیل در رشته فنی و حرفه‌ای تشویق میکرد که بسیار بجا بود و امید است در راه تأسیس تعداد هرچه بیشتر این قبیل مدارس برای سال‌های آینده توفیق داشته باشند منتهی صلاح است در انتخاب محل آنها دقت نمود که حتی المقدور در شهرهای بزرگ نباشد بلکه باید بیشتر در شهرهای کوچک و بخصوص در مجتمع‌های روستائی به تشکیل آنها اقدام نمود از طرف دیگر استفاده از امکانات بخش خصوصی و کارگاههای آنها و لزوم انعقاد قرارداد بین وزارت آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های مزبور برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز

در رشته‌های فنی و حرفه‌ای باید از هر جهت مدنظر قرار گیرد.

من اعتقاد دارم که بسیاری از مسائل جوانان با اصطلاح پشت کنکور را میتوان با ایجاد مدارس فنی و حرفه‌ای حل کرد صرفاً نباید جوانان را به گرفتن مدرک عادت داد از عمل خطرناک مدرک‌گرانی باید جداً جلوگیری کرد در عین حال باید ضوابط استخدامی را از مدرک جوئی حذف نمود و به دانسته‌های حرفه‌ای بیش از مدرک تحصیلی توجه کرد در غیر اینصورت همه جوانان همانطور که الان مرسوم است سعی خواهند کرد مدرکی بدست آورند تا با اصطلاح از مزایای قانونی این مدرک یا دیپلم بهره‌مند شوند چرا که متأسفانه هنوز ارزش افراد به نوع دیپلم آنهاست نه به کاری که میدانند تازه بسیاری از آنها بطرف کارهایی غیر از تخصص خود روی می‌آورند مثلاً ۹۰ درصد دانشجویان رشته خاک شناسی در رشته‌های کار می‌کنند که با تخصص آنها وفق نمیدهد مثل تعاون روستائی یا لیسانسیه رشته باستانشناسی که کارمند بانک است! علت این پدیده عیوبی است که در سیستم گزینش دانشجو وجود دارد که در آن دانشجو مجبور میشود علیرغم سبیل باطنی اش و به امر کامپیوتر در رشته‌ای که هیچ علاقه و کشتی بآن ندارد به تحصیلات خود ادامه دهند امید است با تغییراتی که در سیستم گزینش دانشجو داده شده و بازمه داده خواهد شد جلوی این قبیل پدیده‌های نامطلوب گرفته شود.

در حال حاضر کشور ما به برکت درآمدهای نفتی خود در یک دوران استثنائی به امکانات لازم برای خوب زندگی کردن دست یافته هرگاه موجبات ادامه این زندگانی فراهم نیاید به محض اینکه عواید نفتی آن کاستی بگیرد درین بست قرار خواهیم گرفت نه راه پیش خواهیم داشت نه راه پس. چنانچه ما بتوانیم موفق شویم در این فرصت گذرا و ناپایدار خود را به دانش و فنون و مهارت‌های لازم برای قرار گرفتن در صف کشورهای پیشرفته مجهز کنیم راه رفاه و تنعم را بی‌دغدغه ادامه خواهیم داد و می‌باید مصمم به ساختن چنین آینده‌ای باشیم و این نمیشود مگر با داشتن نیروی انسانی کافی نیروی انسانی کار آمد و تحصیل کرده نیروی انسانی صاحب فکر و اندیشه. نیروی انسانی صاحب ابداع و ابتکار. توجه داشته باشیم برای ادامه حیات ما نمیتوانیم تا ابد متکی به دیگران باشیم و تا وقتی که ما مصرف کننده فکر و ابداع و ابتکار و کشف و اختراع دیگران باشیم ناگزیر مصرف کننده محصولات

آنها نیز خواهیم بود و این روال تا موقعی برای ما امکان پذیر است که از محل درآمدهای حاصل از نفت پول لازم برای خرید این محصولات داشته باشیم در غیر اینصورت بیرواضح است که چه وضع و موقعیتی در انتظار ما خواهد بود.

در اینجا باز هم بفرمایند شاعنشاها اشاره میکنم که فرموده اند: «ما بعد از تأمین نیازهای دفاعی مملکت برای آموزش و ترویج و توسعه علم و تکنولوژی بیش از هر عامل دیگری اولویت قائل هستیم و هرگونه سرمایه گذاری

در این زمینه را سرمایه گذاری زیربنایی تلقی میکنیم بنابراین مسئولیت کلیه مؤسسات آموزشی بخصوص دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مسئولیتی است بس خفیه که به هیچ وجه نمیتوان لحظه ای از آن غافل ماند. مدارس دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید مکتب و کانون میهن پرستی و سنگر سخنرانی پذیر حفظ و حراست از استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت و میراث های ملی ما باشد به هر صورت ما بخوبی قادر خواهیم بود در سایه پرورش صحیح جوانان و آموزش علوم و فنون جدید به آنان از استقلال خود دفاع کنیم. در نظر داشته باشیم که اگر سرمایه گذاری و هزینه های دفاعی، حیات امروز مملکت و وجود مملکت حفظ و نگاهداری و صیانت حدود و معرور و سرحدات و امنیت داخلی مملکت محسوب میشود سرمایه گذاری هر چه بیشتر در امور جوانان برای تربیت نیروی انسانی نیز در حقیقت نیمه آینده مملکت و در واقع موجبات تأمین آینده بهتر مملکت محسوب میشود. بیاد داشته باشیم ایران امروز غیر از ایران دیروز است که بیگانگان عروسک های خود را بر سر نار میاوردند که بنا به فرمایش شاعنشاها در قبرستان برگور مردگانی که خودشان وسائل مرگ آنان را فراهم کردند بر قصد.

در مورد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نکته ای که تذکر آن را ضروری میدانم مربوط به یکی از رسالت های بزرگی است که دانشگاه های ما بعهده دارند و آن امر پژوهش است. هدف انقلاب ایران رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ در آینده نزدیک است. انجام و گسترش تحقیقات اصیل یکی از ملزومات این پیشرفت است و لازم است اعتبارات تخصصی داده شد به تحقیقات با سرعت مناسب افزایش یابند و به درصدی نزدیک با مساوی با عدد مشابه در کشورهای پیشرفته برسد. برای بی بردن تحقیق در جهان امروز و وضع آن در جهان سوم کافی است توجه کنیم مبلغی که از درآمد ناخالص ملی صرف تحقیق

میشود در ایالات متحده آمریکا بیش از ۴٪ اروپای غربی ۴ - ۳/۵ درصد در هندوستان کمتر از نیم درصد و در ایران با قبول ارقامی که داده شده به احتمال قریب به یقین کمتر از یک درصد توصیه شده از سوی یونسکو میباشد بدیهی است چنین وضعی با توجه به موقعیت ممتازی که اینک ایران در پرتو تحولات انقلابی خود به دست آورده نه قابل توجیه است و نه متناسب با آرمان وصول ما به تمدن بزرگ در نتیجه لازم است که هر چه زودتر وضع پژوهش در جامعه انقلابی ما از لحاظ بودجه از لحاظ سازمان و از همه مهمتر از لحاظ موانع و مشکلات موجود مورد توجه آتی قرار گیرد در حالت فعلی، تحقیقات بخش عمومی در وزارتخانه های مختلف متمرکز است و قسمت اعظم بودجه تحقیقاتی کشور نیز در اختیار آنهاست بدین ترتیب که ۸۸/۷٪ برای دستگاه های اجرایی دولت و فقط ۱۱/۳٪ برای تمام دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اختصاص داشته است تازه غالباً این تحقیقات جنبه مطالعه دارند عبارت دیگر مطالعه با تحقیق اشتباه میشود و اعتبارات تخصصی داده شده به تحقیقات توسط برنامه ریزان به مصرف مطالعات میرسد و دارای مشخصات و بازده یک تحقیق واقعی نیستند بلکه بیشتر در جهت رفع نیازهای اطلاعاتی سازمانهای مربوط متمرکز شده اند. در بخش خصوصی مخصوصاً در صنایع مختلف میتوان گفت که تقریباً تحقیق موجود نیست در صورتیکه در غالب کشورهای پیشرفته مقدار زیادی از تحقیقات با اعتبارات صنایع خصوصی و برای رفع احتیاجات آنها انجام می پذیرد مسئله بودجه که صرف تحقیقات در جامعه ما میشود تنها از لحاظ کمیت ناچیز آن نیست که مورد توجه است شاید مهمتر از کمیت، کیفیت توزیع و مصرف آن است تاکنون سازمانها و مؤسسات مختلف هریک در جریان تنظیم بودجه سالانه خود قسمتی نیز برای تحقیقات اختصاص داده اند که در بودجه اسسال تحت عنوان «تحقیق و بررسی» در فصول مختلف آمده است در این بودجه های اختصاصی نه هیچگونه سیاست متمرکز و جامعی وجود داشته است و نه یک بینش واقع بینانه که نیاز وزارتخانه خاصی را در مجموعه کلی نیاز جامعه توجیه کننده احتمال قوی میتوان گفت که محتملاً قسمت قابل ملاحظه ای از این بودجه ها در جریان سال از طریق اجرای بودجه صرف هزینه های ضروری دیگر میشود و یا صرف چیزی به نام تحقیق، بدون بازدهی چشم گیر میگردد. در مواردی نیز دیده میشود که اشخاصی از طرق مختلف با ارائه

پروژه خاصی مبلغی پول از سازمان باوزارتخانه های دریافت میدارند بدون اینکه مرجعی برای پی گیری نتیجه این تحقیقات وجود داشته باشد. از طرف دیگر مقررات موجود مملکتی در جهت کمک به تشویق محقق و تحقیقات نیست. به طوری که ممکن است یک نفر علاقمند به تحقیق در اثر مشکلات مختلف ناشی از این امر دست از تحقیق بسز دارد. باید مقررات مسالسی اعتبارات تحقیقاتی بر اساس روش ها و مقررات دیگری که با طبیعت تحقیق و اجرای آن و آزادی عمل محقق متناسب باشد تطبیق داده شود در این مورد مکرراً از طرف شاعنشاها تأکید لازم به عمل آمده و چند بار در منشورهای ارزیابی پیشرفت انقلاب آموزشی که به تصویب رسیده است توصیه های صریح و قاطع به دولت شده. اخیراً نیز علیاحضرت شهبانو در شرفیابی برگزیدگان تحقیقاتی و دانشگاه تهران روز ۲۵/۱۱/۳۶ فرمودند: «مقررات دست و پاگیر تحقیقات باید از بین برود» نظر جناب آقای دکتر آموزگار را به این امر مهم جلب نموده و پیشنهاد مینماید کلیه اعتبارات تحقیقاتی کشور در اختیار شورای پژوهش های علمی کشور قرار گیرد تا با توجه به سیاست کلی تحقیقاتی و در نظر گرفتن اولویت هاشم بودجه پژوهشی هر مؤسسه و یا سازمان پژوهشی تعیین گردد با توجه به اینکه انجام پژوهش برنامه ریزی شده در کشور یکی از ضروری ترین عوامل در رسیدن به اهداف انقلاب ایران تحت رهبریهای خردمندانه شاعنشاها آریاسهر میباشد و اینکه باید کشور کم کم از نظر علمی و تکنولوژی خاص ایرانی به خود کفائی لازم برسد لذا باید در برنامه ریزیهای کلی مملکت رشد بودجه تحقیقاتی کل کشور و افزایش نسبی آن در بخش های مختلف مملکت با توجه به اولویت ها و سیاست های تحقیقاتی کشور تعیین گردد تا بهره برداری لازم از این سرمایه گذارها عاید گردد از طرف دیگر از آنجائیکه بالاترین میزان پژوهش کشور را دانشگاهها انجام داده و میدهند توصیه مینماید از گسترش سازمانهای باصلاح تحقیقاتی وزارتخانه ها تا حد امکان جلوگیری و فعالیت آنها به دانشگاهها تفویض شود این امر خود باعث آشنائی بیشتر دانشگاهیان با مسائل مملکتی و سیج بیشتر نیروهای علمی آنان در راه توسعه ملی خواهد شد دیگر از مسائلی که بنظر اینجانب قابل طرح و تذکر است و در مورد سیاست اقتصاد بدون نفت میتوان در آتیه مملکت ما ایفاگر نقش مهمی باشد موضوع سیاست جهانگردی و ایران گردی و باصلاح توریست در کشور است که متأسفانه تاکنون آنطور که باید و شاید مورد

توجه قرار نگرفته است آنچه مسلم است اینست که از حالا باید بیاموزیم که بدون نفت چگونه میتوان زنده بود و کشوری قدرتمند داشت شاعنشاها در کتاب بسوی تمدن بزرگ مرقوم فرموده اند: سرزمین ایران سراسر یک موزه و یک نمایشگاه بدیع مفاخر تاریخی و هنری و در عین حال هر گوشه آن شاید گویای دلاوریها و جانبازیهای گذشتگان است. زیبایی های طبیعی ایران نیز با تنوع فوق العاده وضع اقلیمی نواحی مختلف این سرزمین از بدیع ترین نمونه هائی است که در جهان میتوان یافت. بهره گیری از این بدایع طبیعی و هنری نباید مخصوص جهانگردان خارجی باشد بلکه بخصوص باید این امکان در دسترس توریسم داخلی گذاشته شود. «توریسم در دنیای ما بصورت یک صنعت مورد توجه قرار گرفته و یکی از منابع مهم درآمد و عامل مؤثری در توسعه و پیشرفت بشمار می آید. هستند کشورهایی که بالاترین رقم درآمدشان از محل توریسم تأمین میشود و در سال تعدادی معادل جمعیت ایران توریست جلب میکنند علاوه حتی کشورهای بزرگ و پیشرفته صنعتی که از درآمد ارزی قابل توجهی برخوردارند و معهداً به صنعت توریسم اهمیت میدهند. جهانگردی در سطح بین المللی موجب شناسائی هر چه بیشتر مملکت از طریق دیگران میگردد بر این شناخت علاوه بر درآمدهای ارزی آثار و فواید سیاسی و فرهنگی مترتب است بدین معنی که دید و بازدیدهای گروه های مختلف جوامع گوناگون از جامعه دیگر به گسترش همبستگی بین ملت ها و حکومت ها آنها از خلال شناخت بیشتر عناصر فرهنگ و جامعه مورد بازدید منجر میگردد تا جائیکه این تماس ها و در برخوردها میتواند شکل یک نوع تبادل فرهنگی را بخود بگیرد در عین حال نباید فراموش کرد که در دنیای امروز پوش کار و ارتباط دولت ها با یکدیگر در بسیاری موارد از افکار عمومی ملت ها نسبت به یکدیگر الهام میگردد که جهانگردی را میتوان در حد خود بزرگترین عامل این تقاضم دانست.

بنابر آمارهای موجود درآمد ایران از توریسم در سال ۲۵۳۵ بالغ بر یکصد میلیون دلار بوده ۶۰۰ هزار نفر توریست از ایران دیدن کرده اند در صورتیکه در سال ۲۵۳۴ تعداد ۵۰۰ هزار و در سال ۲۵۳۳ فقط ۴۱۵ هزار نفر توریست از ایران دیدن کرده اند.

باجلوگیری از اسراف بی رویه نفت و پیش بینی کاهش تدریجی درآمد آن باید منابع درآمدهای دیگری را جایگزین

کرد و در این راه فعالیت برای رشد و ازدیاد درآمدهای توریستی از شایسته ترین اقدامات می تواند باشد.

باید با برقراری ارتباط صحیح با توریست ها و تکمیل و تجهیز تأسیسات جهانگردی (هتل، رستورانها، وسائل نقلیه، راهنماها، پست و ارتباطات، نقشه ها و توضیحات و غیره) یا ایجاد تسهیلات لازم برای توریست ها بر تعداد آنها و بردرآمدهای مربوط افزود.

در طول سال های اخیر در نتیجه شکوفائی اقتصادی و اجرای برنامه های عظیم توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور و انتهاز نام ایران در جهان تعداد مسافران خارجی بخصوص افرادی که بخاطر تجارت و پیشه به ایران سفر می کنند و همچنین سیاحتی که مشتاق زبانت آثار فرهنگ مادی و تاریخی هستند روبه فزونی گذاشته است از سوی دیگر بر شمار مسافران داخلی و ایران گردان نیز که برای مقاصد گوناگون بخصوص ایام فراغت و تفریح به مناطق و شهرهای مختلف کشور تردد می نمایند به میزان چشم گیری افزوده شده است به همین جهت در برنامه های جهانگردی و ایران گردی ایجاد تأسیسات اقامتی برای مسافران اساسی ترین و مهم ترین رکن برنامه را تشکیل میدهد.

تأسیسات پذیرائی کشور قبل از شروع برنامه عمرانی چهارم دارای ۳۲۹۶ تخت و در پایان برنامه چهارم ۱۸۰۵۲ تخت بوده است آمار نشان میدهد که در طول برنامه چهارم به امر هتل سازی و ایجاد تأسیسات توجه بیشتری معطوف شده ولی در زمینه کارهای بزرگ زیربنائی مثل مجتمع ها و اردوگاه های جهانگردی اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. در طول سه ساله اول برنامه عمرانی پنجم جمعاً ۹۱۷۸ تخت در انواع تأسیسات پذیرائی و همچنین ۶ واحد رستوران، جایخانه های بین راهی و سه واحد جایخانه سنتی از طرف بخش دولتی و خصوصی ایجاد شده و به مرحله بهره برداری رسیده است. با بررسی قراردادهای منعقد در بخش دولتی برای پروژه های در دست اجرا و همچنین اطلاعاتی که از میزان پیشرفت پروژه های بخش خصوصی پیش بینی میشود که از جمع ۳۰/۱۴۳ تخت در جریان فراهم سازی قریب ۱۵/۴۷۸ تخت و همچنین ۴ واحد رستوران، جایخانه بین راهی و جایخانه سنتی تا پایان دوره برنامه عمرانی پنجم به مرحله اتمام و بهره برداری خواهند رسید.

با تجزیه و تحلیل مطالب ذکر شده چنین نتیجه گرفته میشود که بدون احتساب ظرفیت ویلاهای اختصاصی و

کرایه ای مالا در پایان برنامه پنجم جمعاً ۶۴/۶۵۶ تخت در انواع تأسیسات پذیرائی انجام خواهد شد که این رقم ۳۸ درصد از ۶۸/۷۳۲ تخت پیش بینی شده از برنامه پنجم را تأمین میکند توضیحاً اضافه مینماید که در طول سه ساله اول برنامه پنجم تعداد ده هزار تخت به صورت شهرک های ویلائی برای استفاده شخصی و کرایه ای در سواحل دریای خزر بوجود آمده است که تعداد ۱۶ هزار تخت نیز تا پایان برنامه به اتمام خواهد رسید چنانچه جمع ظرفیت ویلاهای یاد شده را به حساب آوریم قریب ۶۰ درصد از موارد هدف پیش بینی شده در برنامه عمرانی پنجم تحقیق یافته است نتیجه دیگر اینکه ظرفیت تأسیسات پذیرائی کشور تا پایان برنامه عمرانی پنجم به مرز تقریبی ۴۶۰۰۰ تخت (بدون ظرفیت ویلاهای شخصی و کرایه ای) خواهد رسید.

اگر تأسیسات یاد شده را تسهیلات به معنی اخص تلقی کنیم میتوان دریافت که تسهیلات چندانی برای توریست ها اعم از خارجی و ایرانی بوجود نیآورده ایم زیرا مقررات و قوانین حمایت کننده در زمینه هایی چون بیمه، گمرک و خدمات بهداشتی و درمانی لازم تاکنون شکل مطلوبی پیدا نکرده است از همه مهمتر آنکه ما با کمبود کادر آموزش خدمات جهانگردی مواجه هستیم که باید نسبت به تأمین آن اقدام لازم معمول داریم.

از طرف دیگر همه مراکز توریستی مملکت چنانکه باید و شاید شناخته و شناسانده نشده اند. در کشور ما مراکز جذب توریست فراوان است در واقع برای شناختن و بهره برداری کردن از آنها به مطالعه و برنامه ریزی نیازمندیم. راهها و خطوط ارتباطی نه تنها قدرت کشش کافی را ندارند بلکه از حداقل وسائل ایمنی مثل (درجه پیچ در گردنه ها، نوارهای قطور آهنی در کنار جاده ها، چراغ های چشمک زن، شب نماها و غیره) برخوردار نیست در ارتباط با ضعف کشش راهها، ضعف وسائل مسافرتی از لحاظ کشش و آمایش نیز مشهود است وسائل اولیه برای رفع نیازهای مقدماتی جهانگردان بسیار ناقص و قابل انتقاد است. از بدو ورود عدم نظم کافی در سرویس فرودگاه، نبودن راهنما، هتل و رستوران در فرودگاه، نبودن یا کمبود تا کسی و غیره همه و همه مسائلی هستند که توریست را از ابتدا به ارزش سفرش مشکوک میکند این وضع در مورد ایستگاه های راه آهن و اتوبوس مسافربری نیز صادق است.

بالاخره همانطور که گذشت مجبورتاً تأسیسات اقامتی در ایران لطمه های جبران ناپذیری به توسعه

جهانگردی خارجی وارد آورده است طبق گزارش واصل از مراکز اطلاعات و جهانگردی در خارج از کشور در یکی دو سال گذشته تعداد قابل توجهی از آژانس های مسافرتی کشورهای اروپائی و امریکائی برنامه مسافرت گروه های خود را به ایران لغو نموده اند بعلاوه تأسیساتی که در بعضی نقاط بوجود آورده ایم سبب دفع نه جذب توریست و لااقل کوتاه کردن مدت اقامت او میگردد.

از جذبه ها و موقعیت های اقلیمی کشور آنطور که باید و شاید استفاده نمیشود کشور ایران جزو کشورهای معدودی است که میتواند مقدم جهانگردان خارجی را در تمام فصول سال پذیرا باشد و تحرکی در زمینه ایران گردی بوجود آورد لیکن متأسفانه تاکنون توجهی به مناطق جنوبی کشور که به حق بهشت زمستانی جهانگردان بشمار می رود نشده است. آمار مسافرانی که در فصل تابستان به سواحل و کرانه های دریای خزر مسافرت مینمایند متجاوز از سیلونها نفر است که در یک مقایسه اجمالی این رقم در بندر عباس و بندر بوشهر و سایر بنادر سواحل جنوب به صفر میرسد. عدم اشتیاق مسافران داخلی و خارجی از مسافرت به مناطق فوق صرفاً معلول نبودن وسیله نقلیه سریع و مطمئن، بدی راهها، کمبود تسهیلات و تأسیسات اقامتی و پذیرائی و تفریح گاهها و عرضه ناچیز امکانات و خدمات لازم میباشد که ضروری است به این امر توجه کافی مبذول گردد با توجه به آنهمه پلاژهای زیبایی که در خلیج فارس داریم خواه ناخواه در آینده صنعت توریسم در آنجا

توسعه خواهد گرفت هم چنانکه سرآغازش پیدا شده است اکنون زمانی فرا رسیده که ورزش های آبی در خلیج فارس بزودی در اختیار هزاران نفر قرار خواهد گرفت ولی تذکر این نکته ضروری است که صنعت جهانگردی در جنوب ایران بدون مبارزه بی آفت بزرگ آبهای این منطقه که همانا کوسه باشد رونقی نخواهد یافت دولت باید در این مورد از حالا ب فکر باشد و چاره اندیشی نماید. شاید برای مبارزه با این آفت صلاح باشد از شیوه ای که در ساحل ناتال در جنوبی ترین منطقه آفریقا که پلاژهای سفید و دلپذیری دارد و سالانه متجاوز از یک میلیون نفر برای شنا به آنجا میروند مرسوم است استفاده شود (شیوه بدام انداختن نوسه به کمک تور) باشد با این شیوه کناره های زیبای خلیج فارس را در آینده برای توریست های خارجی و ساکنان محلی ایرانی ایمن و مطلوب ساخت.

در امر مربوط به جهانگردی نباید فقط به ورود ارز خارجی توجه داشت بلکه در بسیاری از موارد باید به شرایط

اشاعه فرهنگ و هنر و پیشرفت مملکت به صورت پرورشها جزوه های فرهنگی و سایر نشریاتی که در آن واقعیات پیشرفت مملکت و چهره جدید آن تشریح گردیده است مبادرت نمود. متأسفانه وزارت اطلاعات و جهانگردی ایران علیرغم ارقام و آمارهای چشم گیری که در این زمینه انتشار داده است در پاره ای از موارد حتی از توزیع پرورشهای بسیار کوچک و نشریات فرهنگی به دارندگان کمیونیک که در سراسر مسافرت بین المللی قرار دارند دریغ میورزد.

عده ای از مسئولان و متصدیان امور مربوط به جهانگردی را عقیده بر اینست که بعلت نارسائی های مزبور فوق در حال حاضر تبلیغ به منظور جلب جهانگرد خارجی بیشتر برای کشور مقدور نمیشود و حال آنکه بنظر اینجانب مخالفت با ورود جهانگرد بیشتر به بهانه نبودن امکانات و تسهیلات داخلی صحیح نیست زیرا اگر جهانگردان نیابند کمبودها و نارسائی های موجود مشخص نمیکردد و در نتیجه در همین وضع موجود باقی خواهیم ماند و چون عیبی مشاهده نشود درصد چاره آن هم نخواهیم بود. باید دروازه جهانگردی ایران باز باشد تا به نسبت تصاعدی هجوم جهانگردان و منحنی های صعودی تعداد افراد و احتیاجات آنان بتوانیم برای سال های بعد برنامه ریزی کنیم و در ضمن اولویت های همان سال را هم فراموش نکنیم. آمدن جهانگردان خاصه در این سال های رستاخیز به اشاعه پیشرفت های صنعتی کشور به موازات اشاعه فرهنگ باستانی کمک خواهد کرد.

در ارتباط با آنچه تاکنون گفته شد ضرورت دارد سیاست جهانگردی ایران روشن تر شود و ابعاد گسترده ای به خود گیرد سیاست جهانگردی کشور باید بر این اصل کلی و برنامه دورنگر مبتنی و متکی باشد که در آینده جهانگردی و فعالیت های همه جانبه مربوط به آن بعنوان جانشین برای قسمت مهمی از درآمدهای ناشی از نفت و اقتصاد بدون نفت تلقی شود و همه زمینه های لازم برای تقویت مبانی این اقتصاد غیر متکی فراهم گردد. رجاء واثق دارد که توجه بیشتر دولت با کمک بخش خصوصی به صنعت مهم جهانگردی، امر توریسم میتواند در آینده یکی از منابع مهم درآمد غیر نفتی برای مملکت باشد.

در بودجه تقدیمی سال ۲۵۳۷ دیده میشود که خوشبختانه درآمدهای غیر نفتی دولت برای سال مزبور با افزایشی معادل ۶/۵ درصد به میزان ۸۵ میلیارد ریال برآورد شده است که حدود ۳۶ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل میدهد که این پدیده مایه بسی خوشنونی

است و امید است در سال های آینده این رقم مرتباً افزایش یابد. از این درآمد های غیر نفتی معادل ۶۱۴ میلیارد ریال مربوط به درآمد های مالیاتی است که این رقم با ۴۶ درصد افزایش نسبت به رقم مشابه سال قبل حدود ۷۲ درصد از درآمد های غیر نفتی را تشکیل میدهد.

بن در مورد نظام وصول مالیات ها نظر دولت را فقط به فرمایش بسیار مهم شاهنشاه در کتاب بسوی تمدن بزرگ جلب مینمایم که فرموده اند:

« با مقرراتی که به نفع مردم وضع شده است توده عظیم مردم هر روز کمتر مالیات می پردازند و ثروتمندان بیشتر»

در امر بهداشت و درمان : متأسفانه در این مورد غالباً صحبت از توسعه امور درمانی است و همیشه درباره بهبود های درمانی گفتگو میشود ولی هیچگاه حرف از نسی گیری یعنی نمی آید. حال آنکه پیش گیری مهمتر از درمان است. بروز و درمان در بیماری کار خواه و پرهزینه است در حالیکه پیش بینی و پیش گیری با کار اندک موجب صرفه جویی در مصرف نیروی انسانی خواهد گردید.

پیش گیری از بروز بیماری ناهدی که در توانائی پزشکی امروز است کار بسیار با ارزش پزشکی نوین محسوب میشود که به تدریج هر چه بیشتر مردم کشور ما سودمند خواهد افتاد و به نسبت تأثیر خود را از بروز بیماریها خواهد داشت.

نظر اینجانب مبارزه با آلودگی محیط زیست که اینهمه درباره آن صحبت میشود از اولویت خاصی برخوردار است امید است دولت باین مسئله حساس و حیاتی توجه خاص مبذول دارد و از صرف همه گونه هزینه درباره پاک کردن محیط زیست مضایقه ننماید.

مسئولیت اینکار در حال حاضر بعهده سازمانی است بنام سازمان حفاظت محیط زیست که جزء سازمانهای مربوط به نخست وزیری میباشد. بودجه قابل ملاحظه ای هم در اختیار دارد ولی چون قدرت اجرایی ندارد و بیشتر جنبه ستادی دارد شاید باین دلیل تا کنون موفقیتی چشم گیر نداشته. صلاح است دولت قدسی، برای این سازمان که به تئوری بی یال و دم میماند، برادرار به نحوی که قادر باشد در ارتباط با سازمانها و مؤسسات مشابه و نیز یک خود نظیر وزارت بهداری و بهزیستی، شهر آری و غیره در انجام وظائف خضیر مربوط توفیق داشته باشد و باز ده چشم گیری ارائه دهد پیشی درمانی گسترده ای که برای همه مردم کشور ما در نظر گرفته شده است و در این بین مردم و در واقع آرزوی همه ملت ها نیست که هنوز بدان دست

نیافته اند این امید ی است که همه مردم ما از دیر باز داشته اند تا دیگر محدودیت های مالی در مان یک بیمار را بفردا نینفکد و با آنجا که نیاز به درمانهای تخصصی یا بیمارستانی باشد از بیم هزینه آن خانواده سرنوشت خود را بقضا و قدر نسپارد دسترسی به چنان بیمه گسترده ای که اندیشیده شده تا چند سال پیش خیالی بسیار دور مینمود ولی اکنون از پرتو پیروزیهای بی دربی کشور ما در سایه افکار ولای رهبر بزرگمان شاهنشاه آریا مهر چنین وعده ای بسیار نزدیک و دست یافتنی شده است.

امر صریح شاهنشاه آریا مهر است که کلیه افراد ملت ایران باید از بهداشت جهانی استفاده کنند و زیر پوشش بیمه های اجتماعی در آیند. دولت هم اقدامات همه جانبه ای در این راه به عمل آورده است ولی متأسفانه اکثر اقدامات در جهت بیمه امراض محدود بوده و تلاشی عمده برای سلامت بعمل نیامده است من معتقدم که مردم باید از بیمه سلامت برخوردار باشند زیرا بیمه امراض آه به طریق طب آزاد و حق العلاج عنوان شده است فقط افراد را در موقع بیماری مورد حمایت قرار میدهد و هیچ کوششی برای نگاهداری سلامت نمیکند. سیستم بیمه امراض بیمار بودن و مصرف دارو را تشویق میکند. به عبارت دیگر سلامت افراد را پس از ازایل شدن به بدن باز می گرداند و تلاشی برای نگهداری سلامتی در بدن نمی نماید. مسلماً کمترین تردیدی در حسن نیت کامل وزیر محترم بهداری و بهزیستی وجود ندارد و هم چنین تلاش ایشان برای سرو سامان دادن به مشکلات درمانی مملکت را نمیتوان نادیده گرفت لیکن باید نارسائی های سیاست پزشکی و درمانی را بررسی و گوشزد نمود تا این مسأله که برای مردم موضوع حیات و ممات است در قالب روش ها و سیستم های صحیح تری بنیاد شود.

رشد سریع و پیشرفته کشور در همه شاخه ها فشاری به پشتوانه نیروی انسانی ما آورده است. گسترش بیمه ای درمانی هم نیاز ما را به نیروهای پزشکی بیشتر نموده دسترسی بخدمات پزشکی پس از گسترش بیمه ها از حالت یک خواست بصورت یک حق برای مردم درآمده و پزشکی کشور باید آمادگی کافی برای ارائه این خدمات داشته باشد تعداد فارغ التحصیلان پزشکی در هر سال افزایش چندانی نداشته و همین علت تعداد پزشکانی که بتوانند بخدمت سپاه بهداشت در آیند زیادتر نشده است فرمان مبارک شاهنشاه در زمینه گسترش بهداشت بر سطح روستاها آنطور که باید و شاید هنوز عملاً اجرا

نگردیده است مسئله مهم بهداشت و پیش گیری هم بطور جدی مدنظر قرار نگرفته است.

امید است با اختیاراتی که بزودی از وزارت کشاورزی منتزع و به وزارت بهداری و بهزیستی تفویض خواهد شد وزارت خانه اخیر موفق خواهد شد که در تصمیم و و گسترش بهداشت در سطح مملکت و بخصوص در روستا های مملکت گام های استوار و مثبتی بردارد.

اینک می بینیم که مشکلات پزشکی و درمانی کشور روز بروز نمایان تر میگردد.

در مورد نبود پزشک و تخت بیمارستانی در سراسر مملکت صحبت زیاد شده صلاح است دولت در این مورد اقدامات مؤثر و سازنده ای بعمل آورد در حال حاضر حدود ۲۰ هزار پزشک و ۱۰۰۰۰ دندان پزشک و حدود ۷۰ هزار تخت بیمارستانی و حدود ۲۵ هزار پرستار در سراسر کشور نسبت به جمعیت موجود کمبود داریم در حالیکه عداد بیمه شدگان روز بروز افزایش مییابد صلاح است حوازا نشان کمبود پزشک و تخت بیمارستانی را جبران نمود خصوصاً باید در نظر داشته باشیم که جمعیت ما رویه افزایش است تعداد پزشکان و دندان پزشکان فارغ التحصیل از دانشگاه های ما با افزایش جمعیت بهیچ وجه هماهنگی ندارد. از طرفی ۵۰۰۰ پزشک ایرانی مقیم خارج داریم باید در بازگشت این عده به کشور با تمام وجود اقدام کرد و بدینوسیله تا اندازه ای کمبود پزشک را جبران نمود. بنظر من مسئولان امور باید به علت خروج پزشکان ایرانی به خارج از ایران بیشتر اهمیت بدهند و اگر قوی بدهند در انجام آن وفادار باشند تا اعتماد عمومی را برانگیزند. بنده به هیچ وجه اعتقاد ندارم که مغزهای اقامت گزیده در کشورهای خارجی آنگونه که برخی از معصبان عنوان میکنند موجوداتی بی علاقه به ایران و جماعتی معتقد به جهان وطنی و از اینگونه مسائل باشند بلکه معتقدم هر کسی که ترک پار و دیار میکند مسلماً انگیزه ای برای این گریز دارد که باید بجای توسل جستن به برداشت های سطحی و شعارهای غیر منطقی انگیزه های اصلی را از میان برداشت و پذیرفت که اگر ده یا صد نفری جلائی وطن کنند شاید بتوان بر آنها نام ای تفاوت یا بی اعتقاد گذاشت اما اگر شمار اینگونه گریزها بیشتر شد و هرز ۵۰۰۰ رسید باید عینی تر اندیشید و عیوب و موجبات برز این عزیزان را از میان برداشت. از خود بیرسیم این ایرانی که ما به آن عشق میورزیم آیا بهیشت موعود است و هیچ عیب و نقی در آن نیست آیا همه کسانی که نام ایرانی بخود می نهند و امروز از موهبت های انقلابی این

دیوار بهره مندند بی هیچ استثناء مردمی بی غش و وطن پرست و پاک و انسان دوست هستند؟ پاسخ بنده اینست که ابدأ چنین نیست و اصولاً خن ترین ایرانیان کسانی هستند که حتی به خرد و اندیشه خود نیز خیانت کنند و زشت ها و زشتی ها را نادیده انگارند. صرف نظر از ابتدائی ترین امکانات زندگی که مآلاً شامل مسکن و امنیت حرفه ای میشود و هموطنان پزشک مقیم خارج ما باید در ایران از آنها برخوردار باشند اگر بدرستی به وجود آنها نیاز داریم که فکر میکنم خیلی هم داریم باید آنان را در کام گرداب دیوان سالاری و دسته بندیهای متداول خود نکشانیم بویژه که بسیاری از اینگونه هموطنان را می شناسیم که مشتاقانه برای خدمت به هموطنانشان به ایران بازگشته اند ولی با چنان جسارتها اعمال غرض ها و کارشکنی هائی مواجه شده اند که فرار را برقرار ترجیح داده اند در حقیقت دلخوری هائی که از مسائل سطحی، از مقررات غلط اداری از بدسلوکی مقامات و افراد بی بندوباری سازمانی نه مسائل اساسی ریشه میگیرد گروهی جوان تحصیل کرده حساس و علاقمند به خدمت را فرازی میدهد اگر فکر کنیم فقط مسئله مادیات مطرح است باید گفت ابدأ چنین نیست زیرا اطباء بسیاری را سراغ داریم که در آبدشان در ایران بمراتب بیشتر از اطباء ایرانی مقیم خارج است از این رو باید بپذیریم که متأسفانه فضای پزشکی و جامعه ما برای جذب اینگونه مغزهای فراری مساعد نیست و تا زمانی که به رفع این معایب نپردازیم چنان ناگزیریم که گروهی هموطن مردم دوست و ایران پرست و علاقمند خدمت به شاه و میهن را از خود برانیم و در سال های آینده نیز رنج توانفرسای کمبود پزشک را تحمل کنیم و چاره ای جز استفاده از پزشکان هندی، پاکستانی، بنگلادشی، فیلی پینی و تیره نداشته باشیم که در حال حاضر تعدادی حدود ۲۲۸۷ تن میباشند در مورد کمبود تخت های بیمارستانی طبق آخرین آمار سازمان نظام پزشکی کشور مجموع تخت خوابهای بیمارستانی سراسر کشور ۵۲۹۴ تخت میباشد که به توجه به جمعیت و با در نظر گرفتن این مطلب که برای هر ۱۰۰ نفر یک تخت لازم است تعداد آن بسیار ناچیز است و از همه مهمتر آنسکه توزیع آن همانند توزیع پزشک بسیار نامتعادل است از طرفی شنیدم تعدادی از اطباء خارجی در خود تهران به طبابت مشغولند امیدوارم صحیح نباشد چون ما معتقدیم تعداد پزشکان در تهران زیاد است (آستانه ای) - برای زبان آموزی به تهران می آیند و بعد میروند به شهرستانها (امیدوارم وزیر بهداری گفته

شما را تأیید کنند (آستانه‌ای چون من گفتم تأیید نمیکنند!) (خنده نمایندگان) بطوریکه نسبت جمعیت به یک تخت در تهران ۲۱۶ تن است و این نسبت در استانهای بوی احمد کهکیلویه و ایلام به ترتیب ۴۸۹۵ و ۴۷۹۹ تن میباشد در حدود ۳۰ شهرستان فاقد بیمارستان و تخت خواب میباشد که این شهرستانها ۴۷۰۰۰ الی ۱۵۶۰۰۰ تن جمعیت دارند از جمله شهرستانها صومعه سرا - خداآهنده -

موضوع مهم دیگر اینست که کمبود نیروهای پزشکی در کشور فقط محدود به تعداد پزشک و دندان پزشک نیست بلکه نیاز ما به دیگر نیروهای پیراپزشکی خصوصاً پرستار و بهیار نیز بسیار شدید است طبق آمارهای بین المللی در بیمارستانهای درجه یک برای هر هکتار یک پرستار و در بیمارستانهای درجه ۲ برای ۸ تخت یک پرستار در هر شیفت منظور میشود با عبارت دیگر در برابر هر پزشک باید سه پرستار داشته باشیم و حال آنکه تعدادی که در حال حاضر در بیمارستانهای مملکت ما مشغول کار هستند بسیار ناچیز است بطوریکه در برابر هفت پزشک فقط یک پرستار داریم. این کمبود چشمگیر موجب ایجاد بازار سیاه برای این حرفه شده بطوری که اغلب این افراد شبانه روز از سه شیفت ۸ ساعته خدمت می کنند و شکی نیست که فیزیولوژی انسانی که استراحت و ضروری میباشد مستلزم فرط واز کار یا فرار از کار خواب ضمن خدمت را الزامی داشته بخش مهمی از شکایت بیماران به خاطر همین مسائل است که باید مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر سازمانهای مختلف دولتی و خصوصی برای

به خدمت گرفتن پرستاران و جذب کادر فنی بیمارستانها هم رقابت و حتی مبارزه می کنند مثلاً یک گروه پرستار امروز در بیمارستانی شاعلمند وفردا با حقوق و مزایای بیشتر راهی بیمارستان دیگر میشوند و فعالیت بیمارستان قبلی را مختل می کنند. اینک که توجه خاصی به درمان کلیه طبقات مسرمد میشود و دولت برای توسعه بیمارستانهای مورد احتیاج سرمایه گذاری میکند چنانچه پیش بینی تربیت پرستار و بهیار به تعداد متناسب با تعداد تخت های اجدائی بعمل نیاید یا بهره برداری از بیمارستانهای اجدائی متوقف شده و یا اداره بیمارستانها بدون تعداد پرستار لازم از ارزش خدمات درمانی آنها خواهد کاست مضافاً به اینکه بیمارستانهای خصوصی با جلب پرستاران موجب تشدید این عدم توازن می شوند.

چون خدمات درمانی مردم بوسیله بیمارستانهای دولتی و بخش خصوصی انجام میگردد لازم است که همگام با

بیمارستانهای دولتی که متناسب با نیاز خود به تربیت پرستار و بهیار اقدام میکنند بخش خصوصی نیز در تربیت پرستار و بهیار مورد احتیاج خود مشارکت کنند این اصل باید قویاً از طرف وزارت بهداری و بهیژیستی خواسته شود و ضمن شرایط تأسیس بیمارستان احداث آموزشگاه پرستاری یا بهیاری متناسب با تعداد تخت های هر بیمارستان گنجانیده شود. چون تربیت پرستار و بهیار از نظر آموزشی احتیاج به پزشک و مربی دارد آموزشگاههای پرستاری موجود و سایر مؤسسات با تنظیم برنامه تربیت مربی پرستاری می توانند این کمبود را جبران کنند از طرف دیگر شناساندن اهمیت و مقام پرستار و بهیار به مردم بوسیله رسانه های گروهی و بازدیدهای دسته جمعی دانش آموزان مدارس از واحدهای پزشکی و کلاسهای آموزشگاه های پرستاری و بهیاری موجب جلب توجه و علاقه مردم شده و کسری داوطلب برای این رشته برطرف خواهد شد.

نگاهی کوتاه وسطی به آمار و ارقام موجود درباره نیروی انسانی بهداشتی و درمانی در مناطق کشور و مقایسه با تهران نشانگر این ادعایت که متمرکز بودن خدمات بهداشتی و درمانی بخصوص در تهران مشکلات بسیاری ایجاد کرده است که بهترین آنها مهاجرت بیماران و خانواده آنان به تهران و سپس اطراق کردن همیشگی در این شهر است. در سال ۳۵۴۰ که نزدیک ۴۰ درصد از جمعیت ایران در استان مرکزی اقامت داشت بیشتر از ۵۰ درصد امکانات درمانی و پزشکی را

بخود اختصاص داده بود و در سال ۳۵۳۴ که جمعیت این استان به ۲۲ درصد افزایش یافت ۶۶ درصد دندان پزشکان ۶۰ درصد پرستاران ۵۰ درصد پزشکان ۴۶ درصد تخت های بیمارستانی ۴۹ درصد ماماها و کل کشور در این استان و در واقع بیش از نیمی از این امکانات در تهران موجود بود بر اساس همین آمار در استان مرکزی به ازای هر ۳۵۹ نفر یک تخت بیمارستانی برای هر ۱۳۱۹ نفر یک پزشک برای هر ۷۸۲ نفر یک دندان پزشک و برای هر ۳۰۴۵ نفر یک پرستار وجود دارد در حالی که برای هر ۴۷۹۹ نفر ایلامی یک تخت بیمارستانی و برای هر ۱۲۹۶۸ نفر استان کهکیلویه یک پزشک و برای هر ۱۱۶۲۵۰ لرستانی یک دندان پزشک وجود دارد.

نظری به برنامه پنجم نشان میدهد که به امر بهداشت و درمان در روستاها توجه لازم نشده است در این برنامه خبری آید در مورد خدمات درمانی و بهداشتی روستاها

بعلت برآکندگی جمعیت عرضه خدمات بهداشتی از طریق واحدهای سیار در سطح کلیه دهات و حتی الامکان خانه به خانه ارائه خواهد شد و در مورد خدمات درمانی این مناطق نیز واحدهای سیار کوچکی در اطراف مراکز درمانی و بهداشتی روستائی ایجاد خواهد شد. نگاهی به طرح های انجام یافته، بازگو کننده آنست که ما در آخر برنامه پنجم هستیم و این طرح ها و هدف ها در این زمینه هیچکدام از سطح نمونه و آزمایش در چند روستا تجاوز نکرده است و اگر مسئولان می توانستند طبق برنامه های پیش بینی شده عمل کنند مشکل مهاجرت و هجوم به شهرهای بزرگ و مرکز تا اندازه زیادی حل میشد. اگر مطالب من خشک است متأسفم چون مثل آقای رفعتی فصد بلد نیستم بگویم مثلاً ایشان میگفت بزها را اعدام میکنند! این برای من مطلب تازه ای بود.

دکتر ستوده - راجع به بیمارهای واگیردار مثل مالاریا که تا تهران هم رسیده است چیزی فرمودید.

پروفسور یغمائی - در این خصوص تخصصی ندارم و در مورد مسائل کشاورزی هم با آنکه تخصص کافی ندارم ذکر مطالبی را در این مورد لازم میدانم. بی تردید بدون یک کشاورزی پیشرفته. پیشرفت صنعتی در معنی واقعی و متکی بر شالوده های ملی غیر ممکن است توجه به همین عامل سبب شده که برای سیال آینده اعتبارات هنگفتی برای امور کشاورزی در نظر گرفته شود. بیشترین این اعتبارات در حقیقت وام و اعتباری است که دولت در اختیار کشاورزان قرار خواهد داد تا به مصرف توسعه کشت و زرع برسانند این اعتبارات است که افزایشی به میزان ۹۶ درصد نسبت به سال جاری خواهد داشت باید مراقبت کرد که در حین اجرای بودجه این وجوه به مصرف واقعی خود برسد و نه اینکه تحت عنوان اعتبارات و سرمایه گذاری کشاورزی از خزانه بانک های تخصصی خارج شود ولی عملاً مورد استعمال دیگری پیدا کند. میدانیم که در سالهای اخیر علیرغم همه تلاش ها و کوشش ها متأسفانه فاصله شهر و روستا روز بروز بیشتر شده. بعلت برنامه های غلط کشاورزی. نبودن فرصت های اشتغال در روستاها و منطبق نبودن طرح های روستائی و کشاورزی با ویژگی های منطقه موجب مهاجرت روستائیان با شتاب زیاد به شهرها شده است و مهمتر آنکه این مهاجرت بدون توقف ادامه دارد روستائیان با شتابزدگی خاصی زمین های زراعی را رها میسازند و در بی کار بهتر درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ روی میآورند علت این امر روشن است کشاورزی از صنعت غلبت افتاده و رشد

صنعتی برآرتب فراتر از رشد کشاورزی رفته است و در نتیجه درآمد کارگران در شهرها بیشتر از درآمد کشاورزان در روستاها شده است و همین عامل سبب شده که حتی کشاورز صاحب زمین شده به اقامت در روستا تشویق نشود و شهر او را وسوسه کند این امر از یک طرف به روستاها و تولیدات کشاورزی لطمه میزند و از سوی دیگر فشار بر شهرها را بیش از حد تحمل افزایش میدهد که این امر از جهات مختلف پسندیده نیست. جناب نخست وزیر مهاجرت روستائیان به شهرها را تا حدی یک پدیده مطلوب خوانده اند و عقیده دارند به دلائلی هنوز می بایست تعدادی از جمعیت فعلی روستاها که رقمی حدود ۱۸ میلیون نفر میشوند ۵۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند به شهرها بیایند تا در صنایع و خدمات جذب شوند تا با محدودیتی که در امر زمین در مملکت داریم هر خانواده روستائی از درآمد بیشتری برخوردار باشد. البته همان طور که ایشان گفته اند ممکن است مقداری بیکاری نهانی در روستاها وجود داشته باشد ولی باید توجه داشت اکثریت افرادی که در روستاها باقی مانده اند دوطبقه اند یکی جوانان زیر ۱۵ سال و دیگر افراد مسن طبقه فعال آنها همانند سیل بطرف شهرها سرازیر هستند و بعلت نداشتن تخصص جذب کارهای غیر تولیدی میشوند اگر برنامه ریزی و اسامی برنامه های کشاورزی بطریق صحیح عمل نشود در سال آینده، سیل مهاجرت جوانان روستائی ادامه خواهد یافت و روستاهای ما با داشتن تعدادی افراد سالخورده به امان خدا نخواهد شد. و با این ترتیب هیچ روزنه ای برای خود کفائی در بخش کشاورزی وجود نخواهد داشت و هم چنان بعنوان وارد کننده محصولات کشاورزی بویژه محصولات غذایی باقی خواهیم ماند که زبانها و خطراتش ناگفته آشکار است تولید و عرضه محصولات غذایی عامل اصلی اعمال نفوذ و اجرای سیاست کشورهای بزرگ در جهان شده است و ممالکی که کمبود مواد غذایی دارند خصوصاً غذاهای اصلی و اساسی، چاره ای جز متابعت از آن سیاست نخواهند داشت. کاهش وابستگی به واردات مواد غذایی و رسیدن به مرز خود کفائی در مواد غذایی اصلی، سیاست کنونی کشاورزی مملکت باید باشد هرگاه سریع برویم و صحیح کار کنیم و برای مدت ۵ سال آینده لااقل در مورد غذاهای اصلی و اساسی به مرز خود کفائی برسیم در مدت عمل کرده ایم و اگر جز این باشد در بازار سیاست جهانی مشکلاتی شدید در انتظار ما خواهد بود.

۶ درصد جمعیت روستائی ایران از یک دهم درآمد ملی استفاده میکند و ۸ درصد مردم شهرستان از ۹ دهم درآمد ملی بهره‌مند میشوند و این معادله هرچه زودتر باید به نفع روستائیان تعمیر پیدا کند بین شهر و روستاها باید کارگاه‌ها و صنایع مخصوص صنایع کوچک بوجود آورد و روستائیان را در مشاغل تولیدی جدید بکار مشغول نمود و جلوی هجوم روستائیان به شهرها را گرفت.

ما از یک جامعه با درآمد سرانه ۵۰۰ دلار در پنجاه سال پیش به درآمد سرانه ۲۵۰۰ دلار دست یافته‌ایم و تا ۱۵ سال دیگر به درآمد ۵۰ هزار دلار خواهیم رسید. کشاورزی برای این مردم با چنین درآمد سرانه‌ای باید غذا تهیه کند. در حال حاضر نرخ ورشد مهاجرت روستائیان حدود ۲ درصد در سال است و به همین نسبت زمین‌های زراعی رها شده بصورت زمین‌های بایر درمی‌آید و نتیجه آنکه در تولید اغلب محصولات کشاورزی اخلال حاصل شده و رشد مطلوب را نداشته است و در مقابل سیل محصولات و فرآورده‌های کشاورزی از خارج به کشور جریان دارد و هم‌ساله اعتبارات هنگفتی بابت خرید محصولات کشاورزی از کشورهای دیگر اختصاص می‌یابد و منابع کلانی ارز از کشور خارج میشود.

یکی از مشکلات کشاورزی اینست که میخواهیم مشکلات و نیازهای حدود ۶۶ هزار روستای کشور را از تهران در آسمان خراش وزارت کشاورزی آنهم با آگاهی‌های اندک شناخته و چاره جوئی کنیم باید برنامه‌ریزی به نحوی بشود که کلیه برنامه‌ها و طرح‌ها در هر منطقه با امکانات همان محل با مسئولیت مسئولان محلی و با اختیارات تام آنان به اجرا درآید. هم‌چنین در تبصره یک ماده ۴ قانون وزارت کشاورزی و عمران روستائی آمده است که سازمانهای گسترش و عمران روستائی در هر استان کلیه وظایف اجرائی وزارت کشاورزی را در سطح استان خواهند داشت بدین ترتیب می‌بینیم که اجرای سیاست عدم تمرکز از همین جا با اشکال مواجه میشود زیرا چگونه میتوان اجرای طرحی را از سازمان و یا فردی خواست بی‌آنکه اختیارات لازم با داده شود و اصولاً در قبال انجام و یا عدم انجامش تعهد و مسئولیتی نداشته باشد؟! بهر صورت وقتی مسئولان محلی در برنامه‌ریزی دخالت داده نمیشوند و اختیارات محدودی ندارند در اجرای طرح‌ها احساس مسئولیت نمی‌کنند و برنامه‌های طرح‌ریزی شده در تهران برای روستائیان قابل عضم نیست آیا از روی عکس یا بادیدن فیلم و اسلاید میتوان در تهران برای رفع مشکلات روستائیان تصمیم گرفت؟ از ۱۸۰ شهرک

روستائی که ایجاد آن در برنامه پنجم پیش‌بینی شده بود تنها ۳۰۰ شهرک تأسیس شد برنامه‌های عمرانی و نوسازی روستاها نیز در برنامه پنجم طبق پیش‌بینی تحقق نیافت. این عقب‌ماندگی از برنامه فقط به دلیل آن است که مرکز نشینان فکر میکنند هرجامه‌ای را که میدوزند بر قامت روستائیان خوش می‌آید و اصولاً به اظهار نظر خود روستائین توجهی نمیشود از او خوانسته نمیشود نیازش به چه چیز بیشتر است از او سؤال نمیشود که برای چه امری اولویت قائل است اگر چنین شود خود روستائی‌آستین‌ها را بالا میزنند و در احداث تأسیسات یازی میکنند آنچیزیکه بان خودبزاری مردم میگویند و همانطور که میدانیم در طرح‌های نمایندگان مجلس در روستاها که انجام پذیرفت نهایت استفاده از آن بعمل آمد و بهترین بازده را داشت و صلاح است دولت در این زمینه گام‌های مثبت و مؤثری بردارد. کمبود خطوط ارتباطی بویژه راههای فرعی و راههای روستائی که وسیله ارتباطی مراکز تولید کشاورزی مصرف است یکی از عوامل مهم بازدارنده رشد مطلوب اقتصادی کشور به شمار می‌آید اگر راههای ارتباطی که شریان‌های اقتصادی کشور به شمار می‌آید متناسب با نیازها توسعه نیابد نمی‌توان از سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک بهره گرفت. در آغاز برنامه پنجم احداث ۱۰ هزار کیلومتر راه فرعی پیش‌بینی شده بود که ۸ هزار کیلومتر آن می‌بایست تا پایان برنامه احداث میشد ولی با توجه به کمبودهای شدیدی، که در زمینه مصالح ساختمانی و کارگر پیش آمد این برنامه بر طبق جدول زمان‌بندی شده به انجام نرسید. برای آنکه برنامه‌های راهسازی بتواند به موازات توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا درآید گریزی نیست جز منطقه‌ای و محلی کردن برنامه‌های راهسازی و فقط باین وسیله است که میتوان از وقفه در اجرای برنامه احداث راههای فرعی و روستائی و نیز ایجاد راههای اصلی و شاه‌راهها جلوگیری کرد و باید در این مورد توجه داشت که تنها تفویض اختیارات کافی نیست بلکه این اختیارات باید درست داده شود و جنبه کاملاً قانونی داشته باشد بدین ترتیب که تعیین اولویت احداث راه‌های فرعی و روستائی در سطح استان باید با مشارکت و همکاری انجمن‌های ملی (شهر، شهرستان، ده) انجام گیرد بدین ترتیب امید است که گسترش خطوط ارتباطی با سرعت بیشتری انجام شود و احداث راه‌ها نیز بطور دقیق بر اساس خدمات و نیاز و با مشارکت مردم باشد تا در نگاهداری آن نیز احساس مسئولیت کنند.

در بودجه تقدیمی خوشبختانه دولت باین مسئله توجه خاص مبذول داشته و رقمی معادل ۹ میلیون تومان باین امر اختصاص داده است ولی نمیدانم به چه دلیل سهم استان خراسان که ۱۰ خاك کشور را تشکیل میدهد و ۱۰ جمعیت مملکت را در خود جای داده و حدود ۸ هزار روستا دارد نسبت به سایر استانها آبنقدر ناچیز منظور شده و از این لحاظ مورد بی‌مهری قرار گرفته است و رقمی حدود ۷ میلیون تومان نصیبش شده است.

موضوع مهم دیگری که لازم به تذکر است و در برنامه اجرائی دولت در لایحه بودجه توجه خاص بان مبذول شده و بنظر اینجانب از سرفصلهای مهم بودجه بشمار می‌رود اجرای اصل عدم تمرکز است بدین ترتیب که از طریق اجرای یک بودجه جاری غیر متمرکز و استانی کردن بودجه به ترتیبی که خود استانها بدون دخالت مرکز در مورد ارقام تصمیم‌گیری خواهند کرد قدم بزرگی در برطرف کردن این پدیده نامطلوب برداشته است از طرفی گسترش چشمگیر طرح‌های خاص ناحیه‌ای و منطقه‌ای خود نوید تحقق یک تمرکز ملی محسوب میشود. بطور کلی سیاست عدم تمرکز را باید بعنوان نلمه گشاینده بسیاری از معضلات نه تنها پایتخت بلکه تمام مملکت غور جدی مورد توجه قرارداد گویانکه بعضی‌ها معتقدند به سبب کمبود نیروی انسانی کارآمد و مسئولان آگاه در خنه سطوح نمیتوان سیاست عدم تمرکز را به معنای واقعی به اجرا درآورد ولی به هرحال یک روزی باید این سیاست اجرا بشود، چه روزی بهتر از امروز، هرچه زودتر بهتر زیرا که عواقب متمرکز بودن کارها در درجه اول در تهران و در درجه دوم در مراکز استان اوضاع را چنان خواهد کرد که با هجوم مداوم ساکنان دیگر استانها به تهران و سایر شهرها بمراکز استان و از همه بدتر هجوم روستائینان به شهرها روزی میرسد که تهران و شهرهای بزرگ آنچنان در تار و بود مشکلات ناشی از هجوم جمعیت که هم‌اکنون نیز با آن روبرو است گرفتار آید که رهایی از آن امکان پذیر نباشد. باید از اهمیت اداری تهران بطور مرتب کاسته شود و بر اختیارات استانها و شهرستانها افزوده گردد تا دیگر بخصوص تهران سهمی از آنچه به حق باید از بودجه عمومی مملکت ببرد به خود اختصاص ندهد و قطب زینده‌ای برای مهاجرت مردم محسوب نشود و در عین حال کسانی که تمایل به ترک تهران دارند بدانند در استانها و شهرستانها امتیازی کمتر از تهران نخواهند داشت و برای اعلم امورشان کزیر نیستند به تهران روی آورند. اشکال اصل عدم

تمرکز اینست که مسئولان برداشت‌های کاملاً متفاوتی از آن دارند گروهی فکر میکنند که با تقسیم منابع در استانها به هدف‌های عدم تمرکز دست یافته‌اند گروهی در این اندیشه هستند که با کوچک کردن ساختمانهای اداری و امثال بعضی از فعالیت‌های یک سازمان از تهران به شهر دیگر اصل عدم تمرکز را میتوان به اجرا درآورد در حالیکه اگر سیاست عدم تمرکز بصورت صحیح و درست اجرا شود امثال بعضی از سازمانها فقط یکی از محصولات اجرای این سیاست خواهد بود نه خود سیاست گروهی از مسئولان هم فکر میکنند که با تفویض اختیار از سیاست عدم تمرکز پیروی کرده‌اند حال آنکه دقیقاً در این نوع طرز تفکر تمرکز شدید خفته است و این بدترین تعبیری است که ممکن است از اصل عدم تمرکز بشود تفویض اختیار آقای وزیر به مدیران کل در استانها نمیتواند سودده باشد این فقط امتیازی است که آقای وزیر به مدیر کل میدهد و هرآن هم امکان دارد امتیاز داده شده را پس بگیرد اگر یک واحد اداری و وظایفی برعهده دارد هر یک از افراد آن اداره باید دارای مسئولیت مشخصی باشند و اختیار انجام مسئولیت‌ها را نیز داشته باشند البته نه اختیار تفویضی بلکه اختیار تحصیلی. شاه‌شاه در کتاب بسوی تمدن بزرگ مرقوم فرموده‌اند:

اجرای سیاست عدم تمرکز مستلزم تحول سازمانهای اداری و حقوقی و تغییر نحوه تقسیم منابع اعتباری و نیروی انسانی است. عدم تمرکز مسئله‌ای صرفاً جغرافیائی نیست بلکه در درجه اول ناظر بر عدم تمرکز امور اجرائی و تجزیه و توزیع قدرت تصمیم‌گیری است. این کار باید در قالب سیاست‌ها و برنامه‌هایی با ثبات و دقیق صورت گیرد منظور آنست که فعالیت‌های مولد و واقعی خصوصی تشویق شود. بصورتی که فعالیت‌ها بطرق مختلف منحصراً به دولت و اعتبارات آن وابسته نباشد و بر زمینه رقابت سازنده و سالم بوجود آید بدین ترتیب در سطوح استان و شهرستان باید بین نظام اداری و نظام مهارکتی مردم و انجمن‌های ملی تعادل برقرار باشد.

در سه سال اخیر بودجه دولت حدود ۳۰ برابر افزایش یافته است باید نظامی برقرار شود که بتوان این بودجه را به نحو مطلوبی خرج کرد و چنین نظامی نمیتواند متمرکز باشد زمانی میتوان چنین ادعائی را داشت که برنامه‌ریزی و برآورد اعتبارات از باین شروع شود و در آن سطح هم به اجرا درآید. باید مسئولان محلی صاحب اندیشه باشند و خود برنامه‌ریزی کنند و به اجرا برسانند اشکال فقط منتظر صدور اجازه از مرکز به نشینان اگر دستور رسید که

طرح را انجام دهد آنها اجرا کنند و اگر گفته شد که طرح را موقوف کنند آنها بدون هیچ بررسی کار را متوقف کنند. بهر صورت یکی از اساسی ترین و بهترین راه آورده های طرح عدم تمرکز افزودن امتنان خلافت و ابتکار در تصمیم گیری است. مسئولان منطقه آزادی های بیشتری برخوردار میشوند و بی گمان حس مسئولیت و قدرت ابتکار آنها نیز افزایش می یابد و هرگز دچار انجماد ذهنی نخواهند شد. این طرح هم چنین به میزان وسیعی از ناخودبازی و روابط اداری زائد جلوگیری خواهد کرد و اشکال مضربورو لراسی را از جامعه دور میکند و ما را از شر بدبیده نامطلوبی که دیوان سالاری نام دارد نجات میدهد. چندی پیش جناب دکتر آموزگار در جلسه کمیسیون شایستگی بصراحت گفتند: «چرا باید دیوان سالاری دستگاههای دولتی موجب عدم پیشرفت کارها باشد» باید گفت جانا سخن از زبان ماسکونی. این یک بیان واقعیت است که بر زبان نخست وزیر جاری میگردد و انعکاسی از اوضاع اداری کشور است متأسفانه با وجود آنکه در سال های پس از انقلاب به موازات کوشش های همه جانبه در همه امور برای جلوگیری از تمرکز کلیه امور کشور در مرکز و ادارات مرکزی و انجام هر کار با اجازه مرکز و به منظور بهبود روش های اداری و تم کردن و محدود ساختن نفوذ کارمندان تهران یعنی برجیدن دیوان سالاری سازمان مرکزی اقداماتی صورت گرفته معذک اصول مرکزیت و دیوان سالاری هم چنان با برجا مانده و کارمندان تهران از نظارت و کنترل تمام امور و شئون سراسر کشور دست نکشیده اند و انتقال نظارت و کنترل از قدرت مرکزی به واحدهای محلی (استانها، بخش ها و روستاها) بطور جدی وقاطع تحقق نیافته است از همین رو امروز نه تنها مردم پایتخت بلکه مردم شهرستانها برای کوچکترین کار و انجام خواست ها و نیازها ایشان باید به مرکز و به اداراتی که روسا و کارمندان دست کم عجله ای در اجرای وظائف خود و برآوردن تقاضا و نیازهای مردم ندارند مراجعه کنند حالا نه تنها تمرکز کارها در تهران موجب تنگناها و گرفتاریهای فوق العاده برای مردم شهرستانهاست بلکه خود مردم تهران نیز برای کوچکترین کار هر روز در راهروهای غریب و طولی ادارات پر کار و پر حجم سرگردانند و بی روزها سری به وزارتخانه ها و ادارات دولتی از قبیل دادگستری، ثبت اسنادی و دوائر مالیاتی بزنند می بینید صدها هزاران مردمی که هر یک نیازی دارند در تردید و هوار و هوارها بر سره میزنند و باین اطاق و آن اطاق

میروند و سرانجام دست خالی باز میگردند برای آنکه امروز در این گونه ادارات گرفتن یک وقت دادرسی با اخذ یک سند مالکیت، یا اعلام و نقشه و ورقه تفکیکی ثبتی یا پروانه ساختمانی یا مفصاحساب مالیاتی و حتی پرداخت مالیات و عوارض به آسانی میسر نیست چرا که انجام هر یک از این کارها با اشکال تراشی ها و معطلی ها و سرگردانی ها و بائمال باناژشانی ها توأم است آنوقت چطور میتوان از مردم انتظار مشارکت در کارها را داشت مسئله مشارکت دوجنبه دارد و بقول جناب نخست وزیر یک سکه دو رو دارد یعنی یک طرف مردم و طرف دیگر دستگاه های حاکم و اداری قرار دارند که بدون همکاری و همفکری و هم نشینی و حرمت متقابل این دو طرف مشارکت میسر نمیکردد پس معنی و مفهوم مشارکت در وهله اول همکاری مردم با دستگاه های اداری و اجرائی و احترام متقابل بین پشت نیز نشینان و از باب رجوع است و وقتی همکاری و حرمت متقابل وجود داشت مردم در بخش های گوناگون کارهای عمومی مشارکت میکنند و در قلمرو امور اجتماعی بطور مؤثر کام بر میدارند عبارت دیگر مردم به اجرای قوانین احترام میگذارند مالیات و عوارض خود را به موقع و بدون مطالعه میدهند (احسن است) برای بهبود وضع ترافیک شهر نظامات مربوطه را رعایت میکنند برای زیبایی و تمیزی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست خود کوشش میکنند بدون فشار و تمهید با کمال میل و اشتیاق در مراسم ملی و بزرگداشت ها شرکت می کنند و قدر مسلم برای انتخاب نماینده واقعی و اصلی پارلمان و انجمن های ملی رأی میدهند (صحیح است) اما با وضع موجود که هیچگونه احترام و تفاهم و همکاری بین مأمورین و مردم موجود نیست آیا مشارکت به معنی و مفهوم واقعی و حقیقی به منظور که مورد نظر است عملی خواهد بود؟ اینجاست که وظیفه خطیر دولت دریافته کردن هدیه بزرگی که رهبر عالیقدر مملکت بعنوان انقلاب اداری ارزانی داشته اند آشکار میشود و واقعاً چیف است در این مرحله از زمان و در موقعیت فعلی کشور که راه برای پیشرفت دموکراسی هموار است دیوان سالاری مانع پیشرفت های بیشتر و مشارکت عملی مردم در امور اجتماعی باشد. هر پیشرفت و پس رفتی بی دلیل نیست وقتی آلمان و ژاپن تارومار شده بعد از جنگ دوم دوباره در اقتصاد و صنعت دنیا بهترین میشوند حتماً راز و رمزی دارد. تا مسئولان و مدیران دستگاهی در تصمیم گیری و قبول مسئولیت و وظیفه شناسی نمونه

نباشند از زیردستان چه انتظاری میتوان داشت. حقیقت اینست که برخی از مسئولان و مدیران ما از مدیریت و قبول مسئولیت و کار دسته جمعی فقط بلند ادای آنرا در بیاورند من بر دانش و تخصص بسیاری از مدیران و رؤسای دوایر مختلف مملکتی تردید ندارم هستند تعداد زیادی از آنها که دوره های تخصصی دیده اند و با آخرین روش های مدیریت آشنائی کامل دارند یا کسانی که طی سال ها کار و تجربه، مدیران خوبی هستند اما چه کنند که درگیر نظام دیوان سالاری خشک و انعطاف ناپذیر ما گردنا آمده اند نظامی که در آن بقول یکی از نویسندگان، رئیس بمعنی واقعی کلمه رئیس است ریاستی انتقادناپذیر که هیچ منطقی را حتی اگر روشن تر از خورشید هم باشد قبول نمی کنند آنقدر در پاکی و نظم دستگاه اداری تابع خودشان اصرار میورزند که اگر حتی در حضورشان هم به مردم اجحاف شود آن را کمال عدل میدانند. در بسیاری از ادارات و سازمانهای ما اگر رئیس یا مدیری بخواهد کاری را انجام بدهد بقول معروف شعر هم جلودارش نیست اول دستور اجرایش را میدهد بعد مراتب راجعت اطلاع به قسمت های مربوط و آدم های مسئول آن ابلاغ میکند. ولی وای به وقتی که بخواهد یا نتواند کاری را انجام بدهد و جرئت قبول مسئولیتش را نداشته باشد آنوقت کار به کمیسیون سازی و کمیته بازی می کشد و آنقدر مسئله در جلسات بی ثمر صرف جای نوشیدن، سیگار دود کردن، تسبیح گرداندن و جولا گفتن بنام کمیسیون کش می آید تا امروز زبان شاملش شود و اصل مطلب به بوته اجمال سپرده شود البته در اصطلاح اداری این نوع کارها فوت و فن اداری یا ریاست نام دارد و بسیاری از مسئولان معتقدند هر مسئولی که بهتر جم و خرم این فوت و فن ها را بداند موفق تر خواهد بود. راستی چرا باید وضع این چنین باشد؟ آنهم در دوران شکوفای انقلاب و عصر درخشان رستاخیز که مملکت عزیز ما تحت زهیرهای دایمانه شاهنشاه بزرگمان با ستاب هر چه بیشتر میروند خود را به دروازه های تمدن بزرگ برسانند. میروند تا در شمار یکی از کشورهای قدرتمند دنیا قرار گیرند. دنیای آشفته امروز که کشورهای جهان از آسیای جنوب شرقی تا آفریقا و اروپای غربی همه درگیر جنبش سیاسی و اقتصادی میباشند در این چنین دنیایی از ایران بعنوان جزیره ثبات نام برده میشود. این شرایط استثنائی توجه دنیا را به ایران و اتکاء جهان را به کشور

ما در نقش حامی منافع دنیای آزاد جلب کرده است. کمک های ایران برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم از یک طرف و توسعه سریع ایران از طرف دیگر باعث شده است که ایران در نظر کشورهای دیگر منطقه بعنوان پیشازی درآید که راه پیشرفت را برای دیگران باز نماید. با ذکر این شاه بیت: «کاین همه آوازه ها از شه بود» توفیق روزافزون دولت جناب آقای دکتر آموزگار را در خدمت بشر به همین عزیز و برآوردن نیات والای شاهنشاه آرنامهر از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم. (احسن است - احسن است) **نایب رئیس** - آقای هاشمی میباید آب بفرمائید. **غلامرضا هاشمی** - جناب آقای رئیس، همکاران گرامی و ارجمند - نمایندگان محترم دولت با استعانت از درگاه خداوند بزرگ و توانا بنام نامی شاهنشاه آرنامهر و بنابر نص صریح قانون اساسی کشور شه هاشمی بر خود واجب میدانم که بر اساس وظیفه نمایندگی مردم در ساحت تقدس خانه ملت در مورد اولین بودجه برنامه ای دولت جناب آقای آموزگار نکات و مواردی که در این بودجه به چشم میخورد بازگوکننده برخی از مشکلات و خواسته ها و تمنیات اصولی مردم باشم. پیش از آنکه به جزئیات بودجه تا آنجا که وقت اجازه دهد بپردازم لازم است از بودجه ۴۱۷۹ میلیارد ریالی دولت آموزگار که نشان دهنده سیاست های دولت آموزگار است و پس از شش ماه که از عمر این دولت میگذرد و اولین بار است که دولت آموزگار خود را در کفه ارزشیابی و میزان قرارداد و با تقدیم بودجه سال ۴۰۳۷ منتظر دآوری نمایندگان مردم شده است. به عنوان بزرگترین بودجه تاریخ ایران یا بکنم (احسن است) البته تنگناهایی وجود دارد که هم اکنون مملکت با آن مواجه است چنانچه دولت بانها توجه نکند بیم رشد عدم تعادلها که خود دولت برای مبارزه با آن میخواهد همت کند میروند. بهتر تقدیر وقتی می بینیم که بودجه سال ۴۰۳۷ در مقام مقایسه با بودجه سال فعلی که در روزهای پایان آن سر میبریم از رشدی معادل ۱۷ درصد برخوردار است. و در برابری با کشورهای صنعتی جهان مثل کشور ژاپن که از رشد چهارده درصد برخوردار میباشند سر بلندتر است. به همین نسبت که رشد کشورها افزایش پیدا کرده درآمد سرانه فعلی ما به ۲۲۰ دلار در سال رسیده و در بررسی گذرانی که به بودجه سال ۴۰۳۷ داشته ایم دیده

میشود که بودجه سال ۲۵۳۷ سی و دو برابر بودجه سال ۲۵۲۳ رشد داشته است در بودجه سال ۲۵۳۷ می بینیم که دولت برای آنکه رشد ملایم و معقولی داشته باشد به طرحها و تعهدات زیاد توجه نکرده و اختصاص رقم ۲/۹۳۶ میلیارد ریال برای انجام برنامه های عمومی کشور مبین این نکته است.

انزایش ۲۰٪ بر اعتبارات عمرانی جاری استانیها که برای اولین بار در اختیار استانیها قرار گرفته است یکی از نتایجهای بودجه ۲۵۳۷ میلیارد ریالی دولت آموزگار است که البته در مورد استفاده از این اعتبارات نکاتی را باید عنوان کرد که به موقع از آنها یاد میکنیم.

دیگر از ویژگیهای بودجه دولت آموزگار تخصیص ۷۰۰ میلیارد ریال برای مخارج دفاعی مملکت است.

بسیار رسد اقتصادی مملکت موفقی از سرفروش هرچه بیشتر بخرودار خواهد بود نه آرامش و ثبات برقرار باشد و در نتیجه آن رفاه و آسایش مردم نیز تأمین گردد بنابراین سیاست دفاعی کشور در سال ۲۵۳۷ و اعتبار ۷۰۰ میلیارد ریال که برای انجام این هدف مقدس در نظر گرفته شده است یکی از متجلیترین گوشه های بودجه دولت آموزگار است که تأیید همگان را آید در این دنیای پر آشوب که جنگ و ستیز در هر گوشه ای از آن برپاست و اسعماز برای گسترش جنگ بین ملل مختلف جهان و فروش محصولات زرادخانه های خود توشش میکند بدنبال دارد.

جناب نخست وزیر تا اینجا آن چه بیان شد در تأیید بودجه تقدیمی شما به ساحت مقدس مجلس شورای ملی بود بی تردید ملت ایران به این بودجه توجه بیشتری دارد و محتوای آنرا نه در یکپار و چهارصد صفحه گرد آوری شده مورد ابعان نظر قرار میدهد برای اینکه پس از گذشت زمان این اولین بار است که یک دولت تازه اولین بودجه برنامه ای خود را اعلام میکند.

بی تردید مردم از مدت ها قبل منتظر این روزها بوده اند که بدانند شما و همکارانتان برای آنها در سال بعد چه خواهید کرد.

شما در هنگام معرفی همکارانتان به مجلس بار و کوشش بیشتر با نارانی بالاتر همراه با جدات و صلوات در اجزای اصول انقلاب شاه و ملت را عنوان کردید خوشبختانه بودجه دولت شما در ایامی که مجلس شورای ملی تقدیم شد که شاب شروعتی بار ملت ایران یعنی بسوی تمدن بزرگ که ملهم از اندیشه های تانک و

آرزوها و برنامه های شاهنشاه آریامهر برای ملت ایران بود انتشار یافت. سومین کتاب شاهنشاه در دورانی انتشار یافت که ایران پانزده سال انقلاب شاه و ملت را پیروزمندانه پشت سر گذاشت و وارد شانزدهمین سال گذران پر شکوه خود شد شاهنشاه آریامهر در این کتاب با خردمندی و اندیشمندی

که خاصه شخص معظم له است به خوبی و روشنی راه ایران را در سال های بعد ترسیم کرده اند و هیچ نکته ای را فروگذار نفرموده اند و این برای آنها که میخواهند به ملت ایران در هر نسومی خدمت کنند راهگشا و راهنمای بسیار ارزنده ای است و لغزش در راه خدمت به مردم خیانت به مملکت است. مشتی افراد فریب خورده که با حمایت امپریالیزم و استعمار قصد دارند به جهش سیاست مستقل ملی ما که بابتکار خلافت شاهنشاه بزرگ صورت بگیرد دست درازی نمایند با این تصور باطل هرگز قادر نخواهند بود کشور شاهنشاهی ما را که دارای سیاست مستقل ملی میباشد از حرکت بسوی تمدن بزرگ بازدارند.

من نمیدانم اینهمه تظاهرات خد مبهنی و دانش جویی که در بعضی کشورهای خارج مربوط بخودشان مثل انگلستان - ژاپن - ایتالیا - هند بعمل میاید و در کشورهایشان طبیعی جلوه داد همیشه متأسفانه چرا در کشور ما شایخ و برگ میدهند یعنی مسئله تبریز چندان مهم نبوده و این قبیل مسائل باید در کشور دمو کراسی پیش بیاید جناب نخست وزیر در بیانات خودشان به هنگام تقدیم بودجه از رفعدم تعادلها و از میان برداشتن تنگناها و ناستن ضایعات و پرهیز از اتلاف منابع مالی و اجرای اصل عدالت اجتماعی ، امکانات رفاه و پیشرفت برای گروه های کم درآمد و بهبود کیفیت زندگی مردم سخن گفتند این نکات بسیار ارزنده و آرزوی مردم این مملکت میباشد و علاقمند هستند در مقابل وطن پرستی و شاهدوستی

که در جان و روح آنما لبریز است مضافاً علاوه و ایمانی که به وظایف خود دارند و بخوبی آنرا انجام میدهند بانجام نکات مورد بحث نیز علق میورزند و علاقمند میباشند آنها میخواهند وقتی که عوارض نوسازی میدهند خیابانها و کوچه ها را آسفالت شده به بینند آنها میخواهند که وقتی یک ایرانی مؤمن به اصول انقلاب شاه و مردم هستند در بعضی ادارات دولتی برای انجام یک کار ساده اداری تعجل نشوند. آنها میخواهند

مسئولین امر در مقابل کاسب گران فروش حمایت شوند آنها میخواهند مقامات وعده سریالاً ندهند.

نایب رئیس - آقای هاشمی وقت این جلسه تمام شد بقیه بیاناتتان را در جلسه بعد ادامه بدهید.

۳ - اعلام دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

نایب رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت هشت بعد از ظهر امروز و دستور جلسه ادامه بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور است.

(جلسه ساعت ۷ بعد از ظهر پایان یافت)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر حسین خطیبی